

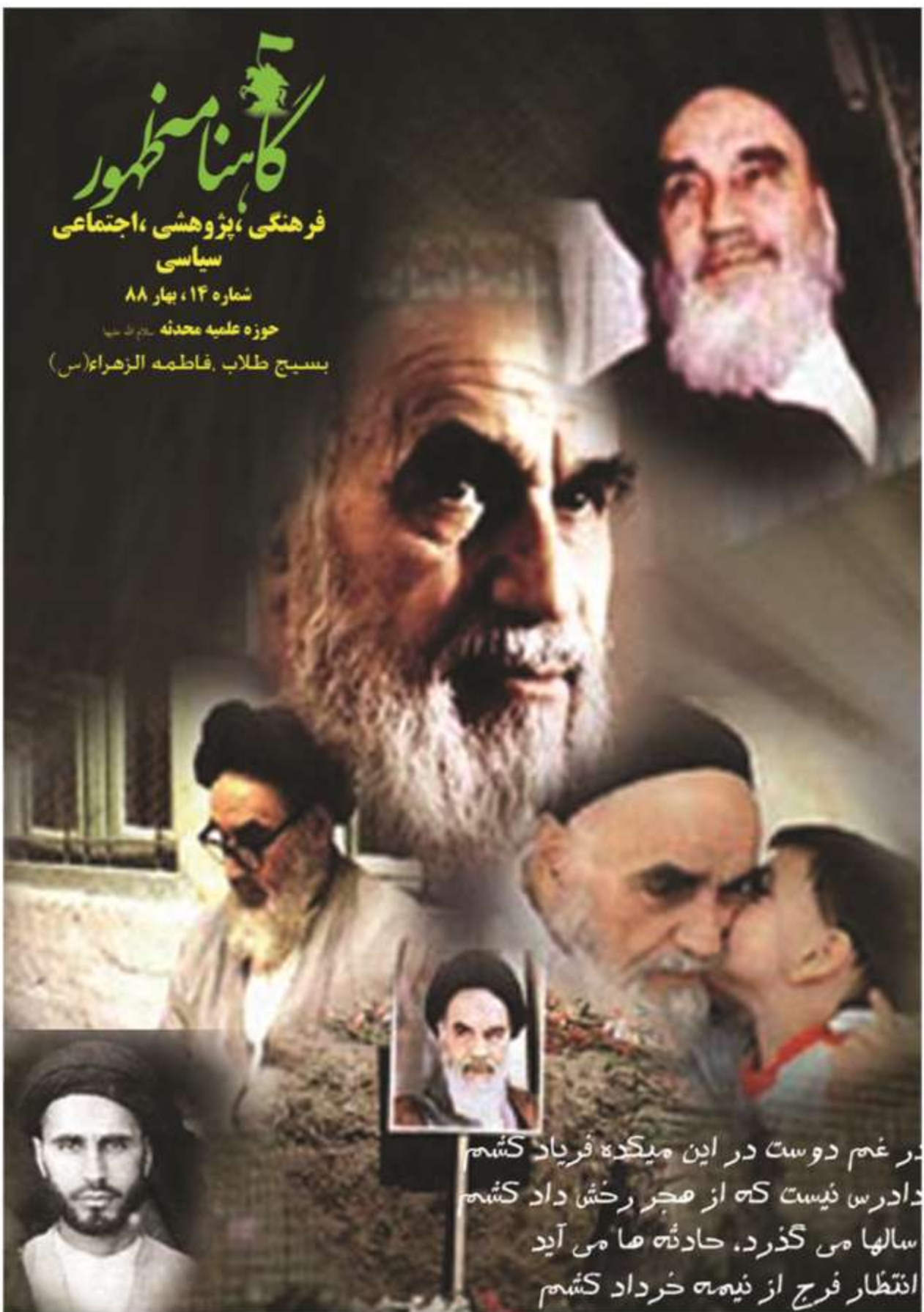
# کامنا منظر

فرهنگی، پژوهشی، اجتماعی، سیاسی

شماره ۱۴، بهار ۸۸

حوزه علمیه محدثه - قم

بسیج طلاب، فاطمه الزهراء (س)



در غم دوست در این میگذرد فریاد کشم  
دادرسی نیست که از هجر رخسار داد کشم  
سالها می گذرد، حادثه ها می آید  
انتظار فرج از نیمه خرداد کشم

# دستاویز

گاہنامہ فرهنگس،  
پژوهشی، اجتماعی، سیاسی

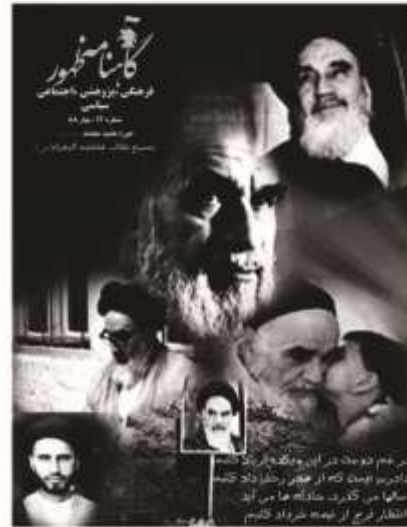
ظہور

شماره ۱۴ بهار ۱۳۸۸



در این شماره مرخوانید:

- ۲..... سخن در دین
- ۴..... پیام نوروزی رهبر جمهور
- ۵..... آثارهای جالب از پرکاری احمدی نژاد
- ۶..... یکصد و پنجاه درس زندگی
- ۷..... اختراعاتی
- ۸..... معرفی کتاب
- ۹..... جدیدترین حرکت ضد دینی تندروها
- ۱۰..... نگاهی بر زندگی استاد مضمیری
- ۱۲..... تقدیر بر شیخ عصمت یاعلی
- ۱۴..... معرفی مفاخر بروجرد
- ۱۶..... اختیار حوزه
- ۱۸..... هیک همردن نماز
- ۱۹..... ریحانه آفرینش
- ۲۰..... بانوی برتر
- ۲۲..... قطعه انس
- ۲۳..... خولگی بر از هانرک
- ۲۴..... آشنایی با عرفان
- ۲۶..... نظارت بر سلامت انتخابات
- ۲۸..... در مایه طار حکمت
- ۳۰..... خودسازی از زبان امام
- ۳۱..... ترنم شقائق
- ۳۲..... معرفی کتاب



صاحب امتیاز: مدرسه علمیه محدثه (س)

و پایگاه حضرت فاطمه الزهراء (س)

مدیر مسئول: زینب کردی

سر دبیر: معصومه یاراحمدی

مدیر اجرایی: رقیه رحیمی

طراح و صفحه آرایی: ا. صحرائی

سرویس خبری: سمیه علیدادی

همکاران این شماره: شهین رازجو، سیمین

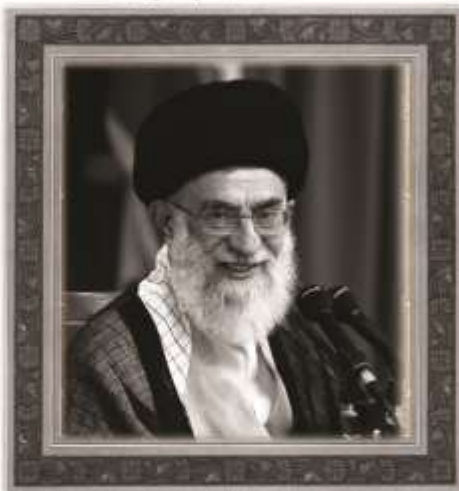
سمیعی، سوده گودرزی، سکینه بهار

خانه، بهارک بهرامی، مریم کشوری،

سمیه کریمی، اکرم کریمی







### پیام مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز سال ۱۳۸۸

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت آغاز سال نو، سال جدید را سالی مهم خواندند و با ابراز امیدواری درباره غلبه قدرت ایمانی ملت ایران بر همه حوادث و تحولات این سال، افزودند: با توجه به اهمیت "حیاتی و اساسی مصرف مدبرانه و عاقلانه منابع کشور"، سال جدید را در همه زمینه‌ها و امور، **سال اصلاح الگوی مصرف** می‌دانم. ایشان، نزدیکی نوروز امسال را به ایام ولادت خاتم النبیین (ص) و امام جعفر صادق (ع)، باعث شرافت بیشتر عید نوروز دانستند و با تبریک این عید سعید به آحاد ملت عزیز ایران، هم میهنان خارج از کشور و ملت‌هایی که نوروز را گرمی می‌دارند، برای همگان سالی سرشار از نیکویی و سعادت آرزو کردند.

رهبر انقلاب اسلامی سال ۸۷ را سالی پر ماجرا خواندند و با اشاره به حوادث مهم داخلی و خارجی این سال خاطر نشان کردند: سال ۸۷ با خیرهای خوش هسته‌ای که اثبات کننده توانایی ملت ایران و دانشمندان متبحر این سرزمین بود، آغاز شد و پرتاب ماهواره امید، ایران را در این سال در ردیف چند کشور صاحب این فناوری مهم قرار داد که این پیشرفتهای حقیقتاً شگفت آور، آرج و اعتبار جدیدی برای ملت ایران به همراه آورده است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به راه اندازی موقت و آزمایشی نیروگاه بوشهر افزودند: دنیا قانع شده است که راه پیشرفت هسته‌ای ملت ایران را نمی‌شود بست زیرا پیشرفتهای ایران در عرصه‌های مختلف علمی و غیر علمی، نشان دهنده بی‌اثر بودن تحریم‌هاست و اثبات می‌کند که ملت بزرگ ایران از درون می‌جوشد و رشد می‌کند و با اتکاء به جوانان پر تلاش و سرافراز خود، تبلیغات و ترفندهای دشمنان را خنثی می‌نماید.

رهبر انقلاب اسلامی در این پیام نوروزی همچنین با اشاره به تشکیل مجلس هشتم و کارهای خوبی که مجلس و دولت با همکاری یکدیگر انجام داده‌اند افزودند: امیدواریم این همکاریها همچنان ادامه داشته باشد. ایشان در زمینه مسائل اقتصادی به بحران عظیم اقتصادی جهان اشاره و خاطر نشان کردند: برغم این بحران بزرگ که از آمریکا شروع شد و طوفان سهمگینی در جهان ایجاد کرد و با وجود تحریمها، مسئولان کشور توانستند کشور و ملت را از افتادن در موج عظیم مشکلات ناشی از بحران جهانی تا حدود زیادی، دور نگه دارند که البته باید همچنان مراقب بود و تلاش کرد تا انشاءاله پیشرفتهای اقتصادی روز بروز شکوفا تر شود.

حضرت آیت الله خامنه‌ای از بروز نوآوریها و شکوفاییهای

چشم گیر در سال ۸۷ ابراز خرسندی کردند و افزودند: عمل به این شعار در مرحله مقدماتی خوب بوده است اما باید شعار نوآوری و شکوفایی را همچنان با جدیت پیگیری کنیم تا به فضل الهی، به نقطه‌ای که شایسته ملت ایران است برسیم. ایشان همچنین در تشریح مسائل مهم جهانی در سال ۸۷، علاوه بر بحران اقتصادی جهانی، به حمله ناکام ۲۲ روزه رژیم صهیونیستی به غزه و مقاومت تحسین برانگیز مردم مظلوم فلسطین اشاره و تأکید کردند: شکست مفتضحانه صهیونیستها، این تجربه بسیار مهم را برای مردم دنیا به ارمغان آورد که می‌تواند در مقابل ستمگران بایستند و پیروز شوند. رهبر انقلاب اسلامی سال جدید را سالی مهم دانستند و با اشاره به دعای حلول سال نو افزودند: تبدیل احوال ملت ایران به نیکوترین احوال، نیازمند توجه و لطف پروردگار است اما باید متوجه بود که جلب "لطف و رحمت الهی" به تلاش و همت آحاد مردم برای ایجاد تحول در زندگی شخصی و اجتماعی بستگی دارد. ایشان در تشریح زمینه‌هایی که نیازمند تغییر و تحول جدی است به موضوع "اسرافهای شخصی و عمومی" و مصرف بی‌رویه منابع مختلف کشور اشاره کردند و افزودند: اسلام عزیز و همه عقلای عالم، بر این نکته تأکید می‌کنند که مصرف باید مدبرانه و عاقلانه مدیریت شود. رهبر انقلاب اسلامی در پایان پیام نوروزی تأکید کردند: همه ما بخصوص مسئولان قوای سه‌گانه، شخصیت‌های اجتماعی و آحاد مردم باید در سال جدید در مسیر تحقق این شعار "مهم، حیاتی و اساسی" یعنی "اصلاح الگوی مصرف در همه زمینه‌ها"، برنامه ریزی و حرکت کنیم تا با استفاده صحیح و مدبرانه از منابع کشور، مصداق برجسته‌ای از تبدیل احوال ملت به نیکوترین حالها، ظهور و بروز یابد.

آقایان، قانون اساسی را و صفات رئیس جمهور را در آن جا ملاحظه کنند، و کسی که دارای آن صفات بود و او را به آن صفات می شناسید به او رأی بدهید

حضرت امام خمینی (ره)



## سفر سه روزه

اول.

پاک و منزه ای تو ای پروردگاری آفریدگار آسمان های بالا، و ای شکافنده دانه ی هسته!

دوم.

از ظلم که به فغان می آیم یاد آن عزیز غایب از نظر، دلمان را روشن می کند و مطمئن می شویم کسی می آید که پایان بخش تمام این رنج هاست و دولت اش، دولت آخرین، و جهان پس از او، جهان سرشار از عدالت و نیک بختی است. پس همان دست های دعا خوان رو به آسمان را به طلب ظهورش بالا می گیریم...

الهم عجل لولیک الفرج

گفتم به گل چه زیباست رنگ و طراوت تو

گفتا که من چه هستم در پیش روی مهدی (عج)

گفتم نکو تر از تو باشد به باغ جنت؟

گفتا که من کجا و یک تار موی مهدی (عج)

گفتم که در قیامت دست که را بگیرند؟

گفتا کسی که باشد «محب» کوی مهدی (عج)

سوم.

پیامبر اسلام که مبلغ در میان مردم بود علاوه بر اینکه عشق شدیدی به حسنات و مکارم داشت و از زشتی های اخلاق بسیار متنفر بود عملاً به همه حسنات و مکارم اخلاقی آراسته بود و آراستگی اش به ارزش های اخلاقی سبب دیندار شدن مردم و تا اندازه ای آراسته شدنشان به حسنات اخلاقی و ارزش های علمی بود.

او چنان شیفته مکارم و ارزش های اخلاقی بود که پیوسته از خدای مهربان می خواست او را به آداب نیک و محاسن اخلاق آراسته کند و همیشه این دعا به زبان مبارکش با حال تضرع و زاری جاری بود

حسنات اخلاقی او و پاکی اش از زشتی های اخلاق در حدی بود که از اخلاق او تعبیر شد به این که خلق و خویش قرآن است.

کان خلق رسول الله القرآن " اخلاق پیامبر خدا قرآن بود "

او با قلب مهربان و زبان نرم و ملکوتی و رفیق و نرمی در حالی که خود آراسته به همه ی مکارم اخلاقی و فضایل معنوی و حسنات نفسی بود - در طول بیست و سه سالی که در میان مردم بود بی وقفه و بدون خستگی بلکه در کمال نشاط و رغبت افراد و خانواده و جامعه را به آراسته شدن به مکارم اخلاقی سفارش کرد و حتی زمینه ی آراسته شدنشان را نیز در آن محیط فراهم آورد زیرا برای حضرتش روشن و یقینی بود که امنیت فرد و خانواده و جامعه، ظهور فضای اعتماد و صفا و سلامت و کرامت با مزین بودن مردم به حسنات اخلاقی میسر است و خلاء حسنات سبب ناامنی و اضطراب و دعوا و نزاع و فساد و تیره بختی و از هم گسستن روابط انسان ها و زن و شوهر ها و نهادهای اجتماعی و موجب نابودی وحدت و یکپارچگی امت اسلامی است. او با این که با عموم در مسجد و در کوچه و بازار و در اجتماعات و در میدان های جنگ و در مسیر سفرها، آراسته شدن به حسنات اخلاقی را سفارش می کرد از اینکه سفارش خود را در هر مکانی یا حتی در جای خلوتی متوجه یک فرد نماید امتناع نداشت.

در جامعه اسلامی شغل زیبا و پراز ذوق معلمی را در کنار شغل انبیاء قرار می دهند انبیاپی که حسنات رحمه العالمین آنها را در بالا بیان کردیم و یک معلم حقیقی دارای حسنات عالیه اخلاقی است، می توان به جرأت گفت بیشتر معلمان و اساتید ایرانی دارای حسنات خلقیه می باشند که جا دارد دست زحمت کش تک تک این عزیزان را بیوسیم و قدر دان زحمات بی دریغ آنها باشیم.

روز دوازدهم اردیبهشت به روز معلم نامگذاری گردیده ما نیز به نوبه خود این روز را تبریک عرض نموده و بر وجود و عمر با عزتشان دعا می نمائیم و امیدواریم با تلاش خود در عرصه علم آموزی، خستگی را از تنشانش بیرون کنیم.





## شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، یک وظیفه ی اجتماعی و ملی است.

در سال جاری صحنه های پرشور و تعیین کننده دیگری در راه است که ملت بزرگ ایران آینده روشن و درخشان خود را با عزم و اراده الهی رقم خواهد زد. آینده از آن ملت ایران و ملت های آزاده جهان است. در عرصه بین الملل هم شاهد تحولات بزرگ بودیم. ناکارآمدی ساختارهای قدرت جهانی به روشنی آشکار شد قدرت های جهانی به بن بست کامل رسیده اند.

بن بست در عرصه نظر و مدیریت و اجرا. آنها در تهاجم فرهنگی علیه ملت ها و تحقیر ملت ها شکست خوردند. بحران های بزرگ سیاسی و امنیتی در جهان عمیق و عمیق تر شد و امروز هم بحران فراگیر و بزرگ اقتصادی نشان از شکست همه جانبه سیاست ها، اندیشه ها و اهداف توسعه طلبانه قدرت های مادی جهان دارد و همه اینها نشان شکست کامل آنها در مبانی نظری و عملی و هم در صحنه مدیریت جهانی است. و این یعنی لیبرالیسم غربی و مکاتب مادی به پایان راه و بن بست رسیده اند. البته در کنار این رویداد عظیم شاهد یک جریان زیبا و شکوفا هستیم: خیزش ملت ها، ترویج روحیه عدالت طلبی و گرایش و همبستگی واقعی بین ملت ها و مردم جهان. افق نگاه مدیریت مسلط امروز تیره و نار است و اما در برابر آن امید روزافزون به آینده روشن، نیاز جهانی را به اندیشه ساز و کارهای جدید ملموس کرده است. عدالت جهانی ضرورت قطعی برای پاسخگویی به نیازهای واقعی و حقیقی بشریت است.

باید عدالت حاکم شود تا همه ظرفیت ها و استعدادها شکوفا گردد. البته این وعده بزرگ الهی است که در سایه مدیریت انسان کامل و منجی عالم بشری محقق خواهد شد. همانگونه که طبیعت بهار دارد دلها نیز بهار دارد. روزگار نیز سرسبزی و خرمی دارد. در دعا می خوانیم که امام عصر (عج) ربیع الانام است، یعنی بهار مردمان، بهار دلها و جانها و می خوانیم امام نصره ایام است یعنی خرمی و سرسبزی دوران.

امروز جامعه بشری نیاز به او را بیش از همیشه احساس می کند. امروز جامعه بشری مشتاق تر از گذشته منطبق مکتب، مرام و مدیریت او را می طلبد و آرزو می کند. امروز به روشنی می توان نشانه های آمدن او را مشاهده کرد. عصر، عصر ظهور است و باید از صمیم جان او را بخواهیم و برای ظهورش دعا کنیم و برای فراهم آمدن هر چه بیشتر زمینه های حکومت جهانی اش تلاش نماییم.

یاد و نام امام راحل و شهیدان و جانبازان و آزادگان و ایثارگران که این راه نورانی را در برابر ما و بشریت گشودند گرامی می داریم. از همه کسانی که در همه ایام نوروز در حال خدمتند تا ملت در آرامش و نشاط باشند سپاسگزارم و یاد همه کسانی که سال گذشته در عید نوروز در بین و در جمع ما بودند و امروز نیستند گرامی می داریم و رحمت و مغفرت خدا را برای همه آنها مسألت داریم. از خدای بزرگ شفا ی عاجل همه مریضان را آرزو مندیم. به عنوان خادمی کوچک صمیمانه از ملت بزرگ ایران بخاطر همه خوبی ها، محبت ها، صبوری ها، همراهی ها و بزرگواری ها سپاسگزاری می کنم.

عهد می بندیم که همه توان خود را برای سرافرازی ایران و عزت و عظمت ملت ایران و حاکمیت همه خوبی ها و زیبایی ها بکار بندیم. از خدای متعال بپروزی و سعادت همه ملت ها و حاکمیت عدالت و خداپرستی را مسألت داریم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



### نوروز منظر هویت ایرانی و ماندگاری تاریخی ملت ایران است.

متن پیام نوروزی رئیس جمهور به مناسبت آغاز سال ۱۳۸۸

#### بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم عجل لولیک الفرج و العافیة والنصر و اجعلنا من خیر انصاره و اعوانه و المستشهدین بین یدیه.

یا مقلب القلوب و الایصار، یا مدبر اللیل و النهار، یا محول الحول و الاحوال، محول حالنا الی احسن الحال.

عید بزرگ نوروز را به همه ملت ایران، همه فارسی زبانان، همه ملت هایی را که نوروز را جشن می گیرند، همه بشریت و رهبری عزیز انقلاب صمیمانه تبریک عرض می کنم.

اندیشه نوروزی بدون تردید یک هدیه الهی است. نوروز منظر تجدید حیات و نو شدن طبیعت است. نوروز منظر نو شدن دلها و جانهای انسانهاست. منظر دوستی و عشق و محبت و خانواده و خوشاوندی است و نوروز منظر هویت ایرانی و ماندگاری تاریخی ملت بزرگ ایران است.

سالی که گذشت سرشار از فراز و نشیب ها و پیروزی های بزرگ برای ملت عزیز ایران بود. سالی که گذشت سال تحولات شگرف در عرصه های جهانی بود. ملت بزرگ ایران با امید و نشاط، سخت ترین گزرها را فتح کرد. در عرصه های علمی و فناوری، سازندگی، عمرانی و اقتصادی و در سیاست خارجی کارهای بزرگ و دستاوردهای عظیم در اختیار ملت ایران قرار گرفت. در مدت کوتاهی معادل چند سال کار انجام شد و دستاورد به دست آمد که همه اینها نشان از ظرفیت عظیم ملت ایران دارد. پروژه های بزرگ و اثر گذار و ماندگار، اصلاحات ساختاری، نوآوری های علمی و فناوری های بزرگ، مدیریت اقتصاد کشور در برابر بحران عظیم اقتصاد جهانی، پیروزی های بزرگ در عرصه سیاست بین الملل و حضور فعال و تأثیر گذار در صحنه های گوناگون جهانی، رفع سایه تهدید، تثبیت استقلال و اراده ملت ایران، از دستاوردهای سال گذشته بود و همه اینها یعنی بر اثر تلاش های مجدانه ملت بزرگ، فرصت های جدید و مهمی در برابر ملت قرار گرفته است و ملت می تواند بدون دغدغه برای فرداهای روشن خود برنامه ریزی و عمل کند. بر اثر ایستادگی و مجاهدت ملت بزرگ امروز جایگاه ایران در عرصه جهان جایگاهی شایسته و عزتمند است. ملت ایران پرچمدار خداپرستی و عدالت و صلح است.

به فضل الهی و بر اثر یکدلی، یکپارچگی ملت، ایمان ناب، تلاش مجدانه، امید و نشاط و پیوستگی با خط امامت و ولایت، ملت ایران سرزنده و عزتمند است. به فضل الهی سال جدید نیز سال پیشرفت و حرکت شتابان ملت ایران خواهد بود. تحولات بزرگ به نفع ملت ایران، به نفع عدالت و به نفع خوبی ها در راه است. پیگیری امر ساختن و آباد کردن و اصلاح امور و طرح تحول بزرگ اقتصادی یعنی سپردن مدیریت اقتصاد کشور به دست مردم از برنامه های سال جاری است. مردم با هدف مند کردن یارانه ها خود صاحب منابع کشور می شوند و به طور مستقیم در مدیریت منابع و مصارف مشارکت جدی و اثر گذار خواهند داشت.

## اظهارات احمدی نژاد در اجلاس ژنو ادامه راه امام خمینی بود.

علامه فضل الله با تجلیل از موضع قاطع احمدی نژاد در اجلاس دوربان، وی را ادامه دهنده راه امام خمینی در حمایت از مظلومین و مبارزه با مستکبران دانست.....

علامه سید محمد حسین فضل الله مرجع برجسته شیعه در لبنان در خطبه های نماز جمعه بیروت که در مسجد امامین الحسین(ع) در منطقه حاره حریک با حضور جمع بسیاری از شخصیت های دینی، اجتماعی و سیاسی برگزار شد، با اشاره به آغاز دوره جدید کوچاندن فلسطینیان به دست دشمن اسرائیلی و تلاش آنان برای برآشتن اوضاع داخلی فلسطین، اظهار داشت:

در کنار عملیات ویرانگری و آواره سازی دشمن در داخل مرزهای فلسطین، با روی کار آمدن دولت تندور-حزب اسرائیل، عملیات شهرک سازی در قدس رو به گسترش است و دیوار حایل در سایه کشتار تظاهرکنندگان فلسطینی بر ضد این نماد نژادپرستی در حال پیشروی است.

علامه فضل الله با اشاره به تلاش برخی اعراب بژای نزدیکی به دشمن اسرائیل، خطاب به آنان اظهار داشت: اعراب باید بدانند آنچه دولت آمریکا از آنان می خواهد، از چارچوب منافع اسرائیل خارج نخواهد شد و در آینده از آنان خواهد خواست اوضاع خود را با حقایق جدید داخل رژیم دشمن سازگار کنند.

وی در بخش دیگری از سخنانش با تمجید از موضع گیری احمدی نژاد رییس جمهور ایران در کنفرانس اخیر ضد نژادپرستی ژنو، علیه اسرائیل، گفت:

برخی از دولت های عربی در گیر و دار تهاجم رسانه ای و سیاسی بر ضد ایران هستند و آن را خطر بزرگ بر ضد اعراب برمی شمردند؛ در حالی که در برابر دشمن اسرائیلی حامی و پشتیبانی جز ایران ندارند.

وی این گام دلیرانه جمهوری اسلامی ایران را در راستای موضع گیری امام خمینی (ره) درباره مساله فلسطین و تعهد ثابت در سیاست ایران نسبت به همه جهان دانست و گفت:

جهان باید میزان جنایات نژادپرستانه اسرائیل را درک کند و اعراب و مسلمانان باید جنایت ها و کشتارهای اسرائیل را رسوا کنند نه اینکه به مسایل امت پشت کرده و افرادی را که

به ملت مظلوم و مجاصره شده فلسطین کمک می کنند، تحت پیگرد قرار دهند.

خبرگزاری رسا

## آمارهای جالب از پرکاری احمدی نژاد:

انجام فعالیت متوسط ۱۶ ساعت در روز، استفاده از ایام تعطیل برای سفرهای کاری و دیدار با مردم، حضور در مجامع عمومی و انجام بیش از ۹۵۰ سخنرانی رسمی و ۳۰۰۰ ملاقات کاری در این مدت، از نظر کمی بیش از دو برابر فعالیت یک رئیس جمهور به طور عادی است. در حالیکه دقیقاً ۴۴ ماه از انتخاب دکتر احمدی نژاد به ریاست جمهوری می گذرد، حجم سنگین فعالیت های وی، رئیس جمهور ایران را به پرکارترین مقام عالی رتبه در جهان تبدیل کرده است. انجام بیش از ۵۲ سفر استانی و بازدید حدود ۵۰۰ شهر بزرگ و کوچک در کشور علاوه بر سفرهای پی در پی به برخی مناطق مانند قم، مشهد و عسویه در مدت کمتر از ۴ سال، بخشی از کارنامه سنگین فعالیت های دکتر احمدی نژاد را تشکیل می دهد.



حضور مداوم در جلسات تخصصی نظیر کار گروه تحول اقتصادی، کار گروه حل مشکل مسکن، کار گروه تنظیم بودجه، از دیگر زمینه های مورد نظر دکتر احمدی نژاد بوده که طی ۳ سال گذشته انجام شده است.

در بعد سیاست خارجی نیز انجام بیش از ۵۶ سفر خارجی و مجموعاً بازدید از ۳۲ کشور مختلف دنیا، برگزاری دیدارهای مداوم با سفرای خارجی در تهران از دیگر فعالیت های رئیس جمهور بوده است. گفته می شود آغاز ساعت کاری رئیس جمهور از صبح با صرف صبحانه کاری با دیدار کنندگان آغاز و عمدتاً تا ساعت ۲۲ شب ادامه دارد.

منبع: خبرنگارنامه جامعه مدرسین



شکست در انتخابات ریاست جمهوری، شکست جمهوری اسلامی است که حفظ آن بر جمیع مردم از بزرگترین واجبات است.

امام خمینی (ره)

اندیشه  
تفکر  
تدبر

یک صدوپنجاه درس زندگی  
آیت الله مکارم شیرازی

درس اول:

ألا لا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَيْسَ فِيهِ تَفَهُّمٌ آگاه باشید: دانشی که در آن اندیشه نیست سودی ندارد!

ألا لا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ آگاه باشید: تلاوت قرآن که در آن تدبّر نباشد نفعی ندارد!

ألا لا خَيْرَ فِي عِبَادَةِ لَيْسَ فِيهَا تَفَكُّرٌ (۱) آگاه باشید: عبادتی که در آن تفکر نیست بی اثر است!

شرح کوتاه:

انباشتن مغز از فرمول های علمی، و قوانین منطقی و اصول فلسفی و هرگونه دانشی مادامی که با اندیشه صحیح و جهان بینی روشن، و آشنایی با اصول زندگی انسانی، هماهنگ نباشد بسیار کم اثر است. همان طور که خواندن آیات شریفه قرآن اگر با تدبّر و دقّت در عمق معانی آن همراه نباشد تأثیر آن ناچیز است، و عباداتی که نور تفکر و عقل بر آن نتابد جسمی است بی روح، و فاقد اثر عالی تربیتی است.

۱. از کتاب کافی جلد ۱، صفحه ۳۶ و تحف العقول.

### اخباریگری از دیدگاه استاد مطهری (ره)

دنیای شیعه از قشریگری محفوظ بود و علتش این است که نهضت قشریگری مقارن عصر ائمه (ع) بود و ائمه راهشان به راه معتزله بسیار نزدیک بود به طوری که در تاریخ، شیعه و معتزله را با هم ذکر می کردند و به آنها «عدلیه» می گفتند و حتی بسیاری، شیعه ها را معتزلی می گویند و معتزلیها را شیعی.

نهضت قشریگری در شیعه راه نیافت تا در چهار قرن پیش، تقریباً مقارن اوایل صفویه، مردی به نام میرزا محمد استرآبادی پیدا می شود که روش اهل حدیث را پیش می گیرد، و از او مؤثرتر شاگردش ملا امین استرآبادی است.

و عجیب این است که کسانی که اصل یک نهضت را شروع می کنند. ولو نهضت، نهضت قشریگری باشد- خود اینها از یک نبوغی بهره مند هستند، و اگر چنین نباشد نمی توانند پایه گذار یک نهضت باشند.

خود احمد حنبل هم یک آدم کوچکی نیست. ملا امین استرآبادی مردی است که سالها در مکه و مدینه مجاور بوده و کتابی نوشته به نام فوائد المدینه که در آن یک ناخت و تاز عجیبی به علمای شیعه می کند که تعقل را وارد اسلام کردند. مثلاً به علامه حلی سخت فحش می دهد.

یک راهی را پیش گرفت، از این چهار دلیلی که اینها می گویند (قرآن، سنت، اجماع، عقل) سه دلیلش باطل است، یعنی هیچ کدام برای ما دلیل نیست؛ قرآن دلیل نیست، عقل هم دلیل نیست، اجماع هم دلیل نیست.

درباره اجماع گفت: اصلاً اجماع ریشه ای ندارد و از اهل سنت گرفته شده. همین اجماع پدر اسلام را در آورده. اجماع همان است که خلافت ابوبکر را درست کرد؛ سنیها آمدند این را یک اصل قرار دادند برای اینکه خلافت ابوبکر را درست کنند، بعد آن را وارد فقه کردند و شیعه هم آمد اجماع را وارد فقه کرد. اجماع مال ما نیست، مال سنی هاست. قرآن را هم به سبک محترمانه ای بوسید و گذاشت لب طاقچه.

نگفت ما قرآن را قبول نداریم، گفت قرآن را قبول داریم، قرآن کتاب خداست، اما قرآن که برای ما نیست، قرآن برای ائمه است. فقط ائمه می توانند

بفهمند که قرآن چه می گوید، ما که حق نداریم در قرآن تعقل و تدبر کنیم. قرآن اصلاً نازل شده برای مخاطبین خود، آنها که با زبان قرآن آشنا هستند و معنای آن را می فهمند. قرآن با زبان مخصوصی حرف می زند و آن زبان را فقط و فقط ائمه می فهمند و بس.

قرآن را نیز این جور بوسید و گذاشت لب طاقچه.



درباره عقل اتفاقاً یک استدلالهای خیلی روشنفکرانه و متجددانه ای می کند. نظیر حرفهایی که دکارت و غیره علیه فلسفه گفتند، او علیه عقل گفت که حرفهای مهمی است. حرفهای فلاسفه را مطرح و نقد می کند که اینجا این چنین اشتباه کردند، آنجا این جور اشتباه کردند، بعد این بحثی را که در میان علمای جدید نیز پیدا شده مطرح می کند که منشاء خطای ذهن چیست؟ یا در صورت است یا در ماده. بعد می گوید منطقی ارسطو منطقی صورت است و حداکثر می تواند خطای ذهن را در نظم فکر و به عبارت دیگر خطای نظم را نشان بدهد، مثل یک آرشیتکت که فقط خوب می تواند طرح ساختمان را بدهد، اما ماده ساختمان مثلاً آجر، آجر خوبی است یا بد، سیمانش خوب است یا بد، آهنش خوب است یا بد، این دیگر کار او نیست.

منطقی ارسطو هم فقط صورت استدلال را می تواند تصحیح کند. ولی بیشترین خطای انسان در ماده فکر است نه در صورت فکر. آن را چه کار می کنید؟ راهی نیست. چون راهی نیست، در امور دینی نباید به عقل اعتماد کرد.

عقل را هم گذاشت کنار، گفت: ما هستیم و حدیث، ما هستیم و سنت، و اجتهاد را که علمای شیعه وارد فقه کردند شدید محکوم کرد، گفت: اجتهاد یعنی تعقل، و تعقل جایز



نیست. تقلید هم جایز نیست، ما فقط باید مقلد انمه باشیم. رساله نوشتن و اجتهاد کردن در مسائل، همه حرام اندر حرام است.

این مرد حرفهای خودش را آنچنان کوبیده گفت که واقعاً یک نهضت بزرگی در دنیای اسلام ایجاد کرد به نام نهضت اخباریگری که پیروان آن را «اخباریین» می نامند، و این نهضت مدنی دنیای شیعه را لرزاند و در برخی نواحی حتی منشاء جنگها و کشتارها گردید. مخصوصاً در شیخ نشین های خلیج فارس، این منطق عجیب نفوذ کرد. در اوایل صفویه، نجف و کربلا مهد اخباریین بود و کسی جرأت نداشت در آنجا راجع به تفسیر قرآن یا راجع به عقل و استدلال و یا راجع به اجماع حرف بزند.

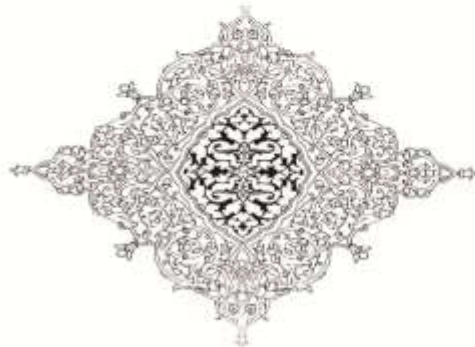
می گفتند فقط و فقط ما هستیم و سنت، ما هستیم و حدیث. و اینها حمله کردند به کسانی که می گفتند حدیث یا صحیح است یا ضعیف یا مؤثق و یا حسن.

علامه حلی و دیگران احادیث را تقسیم بندی کردند، گفتند: بعضی احادیث صحیح است، بعضی مؤثق است، بعضی ضعیف است و بعضی حسن (هر کدام یک اصطلاح خاصی داشتند) حدیث صحیح را این جور می شود با آن عمل کرد، حدیث مؤثق را این جور، و حدیث ضعیف اعتبار ندارد.

ملا امین گفت: این مزخرفات چیست!؟

حدیث، دیگر ضعیف و غیر ضعیف ندارد، هر چه که حدیث است معتبر است.

درست نظیر نهضت احمد حنبل و ابن تیمیه در میان اهل تسنن، به وسیله ملا امین استرآبادی در میان ما پیدا شد.



**داروینیسیم چه می گوید؟**  
داروینیسیم که فلسفه آن بر اساس تنازع بقا نهاده شده است می گوید هر موجود زنده ای خود خواه آفریده شده و برای بقای خود کوشش می کند، و به همین دلیل این کوشش منتهی به تنازع بقا و آن هم منتهی به انتخاب طبیعی و انتخاب اصلح می شود، و این اساس تکامل است.

طبق این فلسفه جایی برای غریز طبیعی و نوعی برای انسان باقی نمی ماند. خیلی ها روی همین اصل به داروین تاخته اند که این فلسفه یکی از ضررهایش این است که پایه های اخلاق و تعاون را متزلزل می کند.

مطابق فلسفه داروین حس تعاون به عنوان یک حس اصیل وجود ندارد، بلکه تعاون به عنوان کاری که ناشی از تنازع است وجود می یابد؛ یعنی آنچه که اصالت دارد تنازع است، و تعاون به تبع آن می آید. مثلاً وقتی که انسان می خواهد موقع خود را مستحکم کند (هر فردی خود را با دیگران مخالف می بیند زیرا او فردی جدا از فرد دیگر است) بنا بر اصل تنازع بقا نیرویی با افراد دیگر تشکیل می دهد و در مقابل دیگران صف بندی می کند.

ولی این اتحاد از تنازع بقا سرچشمه گرفته است و تعاون این ها نه به خاطر این است که نسبت به هم احساس دوستانه دارند، بلکه در مقابل افراد دیگر است و می خواهند آنها را بخورند یا لااقل صفی در مقابل آنان تشکیل دهند.

پس تعاون در بشر اصیل نیست و ناشی از تنازع بقاست.

خود داروین خیلی کوشش کرد که پایه ای برای اخلاق بسازد و طرفداران فلسفه او نیز خیلی سعی کردند که این عیب را از فلسفه او بزایند ولی نتوانستند دفاع کنند.

## جدیدترین فاز حرکت ضد دینی تندروها

### نفی عصمت پیامبر

نفی عصمت پیامبر از سوی فردی که خود را روشنفکر دینی می داند، در حالی است که آیه مبارکه تطهیر:

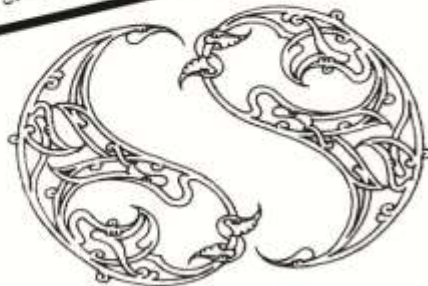
« انما يريد الله ليزهد عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهراً »

و بسیاری از محکّمات و دلایل عقلی و نقلی بر عصمت اهل بیت (ع) و انبیاء عظام دارد. استغاثه اهل بیت (ع) در مقابل ذات واجب الوجود و نامتناهی بودن سیر تکاملی که باعث می شود ترفیع معصوم در هر مرحله ای نسبت به مرحله قبل نوعی نقص نسبی محسوب شود، یکی از مسائل اعتقادی نه چندان پیچیده ایست که مشخص نیست چگونه فردی با ادعای روشنفکری دینی از درک آن عاجز است.

اهانت و تشکیک در مقدّسات از سوی تئوریسین های جریان موسوم به اصلاح طلب، سابقه دار است و طی سال های حاکمیت این جریان در قوه اجرایی نیز بارها این موارد تکرار شده است.

همچنین عبدالکریم سروش هم چندی قبل ادعا کرده بود وحی محصول خیالات و ادراکات پیامبر (ص) بوده است.

منبع: خبرنامه جامعه مدرسین



محمد مجتهدی شبستری که به عنوان یکی از تئوریسین های اصلی جریان تجدیدنظر طلب شناخته می شود، به بهانه سخنرانی در مراسم ارتحال پیامبر اکرم (ص) در دانشگاه صنعتی اصفهان، عصمت نبوی و اهل بیت علیهم السلام را نفی کرد.

شبستری در این سخنرانی و در پاسخ به سوالی در خصوص عصمت پیامبر (ص) گفت: پیامبر وظیفه شان فقط دعوت مردم به سمت خدا بوده و در همین وظیفه خود عصمت داشته اند و هیچگاه از این وظیفه غافل نشده اند.

اما از نظر انجام گناهان با توجه به روایات معتبر و سخنانشان نمی توان برایشان عصمت در نظر گرفت. وی بدون اشاره به آیات محکّماتی که تصریح بر عصمت اهل بیت علیهم السلام دارد، به بیان جملاتی از پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع) پیرامون استغفار ادامه داد: در توصیف پیامبر و ائمه (ع) آمده که شبانه مناجات های طولانی و نمازهای بسیار داشته اند که مویذ آن است که در خود نیازی احساس می کردند و در پی رفع آن به نماز و مناجات می ایستادند و گرنه چگونه ممکن است کسی نقص و گناهی نداشته باشد و از شدت طالب بودن و مشتاق بودن به خود بپسجد.

شبستری در ادامه اهانت به مقدّسات دینی ادعا کرد: البته حالت دیگری را می توان فرض کرد که این عبادات، دروغین و برای متمایل کردن افکار عمومی به خود بوده است.

وی با بیان اینکه « نقص پیامبران و قرآن و اسلام جنبه های دیگری هم دارد اضافه کرد: عده ای یک سری خصوصیات برای پیامبران تعریف می کنند مثل علم جامع و عصمت و ... و بعد اگر کسی چند نشانه پیامبری را داشت، سپس می گویند همه این خصوصیات را باید داشته باشد، در صورتی که خصوصیات پیامبر باید از اعمال او گرفته شود.



### شهید آیت الله مرتضی مطهری (ره)

#### دوران کودکی و نوجوانی

مرتضی مطهری در ۱۳ بهمن ۱۲۹۸ در فریمان واقع در ۷۵ کیلومتری شهر مشهد در یک خانواده روحانی چشم به جهان گشود. در کودکی برای فراگیری دروس ابتدایی به مکتبخانه رفت. در سن دوازده سالگی به حوزه علمیه مشهد رفت و به تحصیل مقدمات علوم اسلامی اشتغال ورزید. در سال ۱۳۱۶ علیرغم مبارزه شدید رضاشاه پهلوی با روحانیت، و با وجود مخالفت دوستان و نزدیکان، برای تکمیل تحصیلات خود عازم حوزه علمیه قم شد. این در حالی بود که اندکی پیش از آن آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، موسس حوزه، دیده از جهان فرو بسته و ریاست حوزه را سه تن از مدرسان بزرگ آن سید محمد حجت، سید صدرالدین صدر و سید محمد تقی خوانساری به عهده گرفته بودند.

و بحث آیت الله حاج میرزا علی آقا شیرازی در اخلاق و عرفان نشست. آیت الله سید محمد حجت (در اصول) و آیت الله سید محمد محقق داماد (در فقه) از اساتید دیگر مرتضی مطهری بودند. وی در مدت اقامت خود در قم علاوه بر تحصیل علم، در امور اجتماعی و سیاسی نیز مشارکت داشت و از جمله با فدائیان اسلام در ارتباط بوده است.

#### مهاجرت به تهران

مطهری در سال ۱۳۳۱ از قم به تهران مهاجرت کرد، و در این شهر به تدریس در مدرسه مروی و تألیف و سخنرانی های تحقیقی پرداخت.

در سال ۱۳۳۴ اولین جلسه تفسیر انجمن اسلامی دانشجویان توسط مطهری تشکیل گردید، و در همان سال تدریس خود را در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران را آغاز کرد. در سالهای ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ و پس از تشکیل انجمن اسلامی پزشکان، مطهری به یکی از سخنرانان اصلی این انجمن تبدیل شد. وی در طول سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ سخنران منحصر به فرد این انجمن بوده است.

#### فعالیت های سیاسی

چهارشنبه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به دنبال یک سخنرانی مهیج علیه شخص شاه به وسیله پلیس دستگیر، و پس از انتقال به زندان موقت شهرانی به همراه تعدادی از روحانیون تهران زندانی شد. پس از ۴۳ روز به دنبال مهاجرت علمای شهرستانها به تهران و فشار مردم، به همراه سایر روحانیون از زندان آزاد شد.

پس از تشکیل هیئت های مؤتلفه اسلامی، مطهری از سوی آیت الله خمینی به همراه چند تن دیگر از شخصیت های روحانی عهده دار رهبری این هیئت ها گشت. پس از ترور حسنعلی منصور نخست وزیر وقت توسط محمد بخارایی، کادر رهبری هیئت های مؤتلفه شناسایی و دستگیر شد. ولی از آنجایی که قاضی پرونده های این گروه مدتی در قم نزد مطهری تحصیل کرده بود، به ایشان پیغام می فرستد که «حق استادی را به جا آوردم» و بدین ترتیب مطهری از مهلکه جان سالم بدر برد.

#### فعالیت های علمی - فرهنگی

پس از حادثه ترور حسنعلی منصور، وی به تألیف کتاب در موضوعات مورد نیاز جامعه و ایراد سخنرانی در دانشگاه ها، انجمن اسلامی، نهضت اسلامی پزشکان، مسجد هدایت و مسجد جامع نارمک ادامه داد. به طور کلی او به یک نهضت اسلامی معتقد بود و برای اسلامی کردن محتوای نهضت تلاشهای ایدئولوژیک بسیاری نمود. از جمله مهمترین این اقدامات می توان به کمک به تأسیس حسینیه ارشاد در سال ۱۳۴۶ اشاره کرد. پس از مدتی به علت اختلاف نظر با برخی از اعضای هیئت مدیره، در سال ۱۳۴۹ از عضویت هیئت مدیره آن موسسه استعفا داد و آن را ترک گفت.



دوران جوانی

در دوره اقامت پانزده ساله خود در قم از آیت الله العظمی بروجردی (در فقه و اصول) و آیت الله خمینی (به مدت ۱۲ سال در فلسفه ملاصدرا و عرفان و اخلاق و اصول) و علامه سید محمد حسین طباطبائی (در فلسفه: الهیات شفای بوعلی و دروس دیگر) بهره گرفت. قبل از نقل مکان آیت الله العظمی بروجردی به قم، مطهری گاهی به بروجرد می رفت و از محضر وی استفاده می کرد. وی مدتی نیز پای درس



نجف نموده و ضمن دیدار با آیت الله خمینی درباره مسائل مهم نهضت و حوزه‌های علمیه با وی مشورت نماید. پس از فوت سید مصطفی خمینی و آغاز دوره جدید نهضت اسلامی، مطهری به طور تمام وقت در خدمت نهضت قرار گرفت. در دوران اقامت آیت الله خمینی در پاریس، سفری به آن شهر نمود. در همین سفر آیت الله خمینی وی را مسؤول تشکیل شورای انقلاب کرد. هنگام بازگشت روح الله خمینی به ایران، مطهری مسؤولیت کمیته استقبال از امام را شخصاً به عهده گرفت.

#### تروور

مرتضی مطهری بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ به همراه گروهی از رجال سیاسی انقلابی در جلسه‌ای در منزل دکتر یدالله سبحانی شرکت کرد. پس از پایان جلسه، در تاریکی شب و هنگام خروج وی از محل جلسه، هدف گلوله یکی از افراد گروه فرقان قرار گرفت، و پس از انتقال به بیمارستان طرفه درگذشت.

#### یادبود

در دهه ۱۳۶۰، شهرداری منطقه ۱۱ تهران بنای یادبود کوچکی در نزدیکی محل ترور مرتضی مطهری در خیابان پارک امین‌الدوله در محله دروازه شمیران شهر تهران برپا کرد. روز ۱۲ اردیبهشت به یاد او روز معلم نامگذاری شده است.

## تبلیغ برای آوارگان فلسطینی

در سال ۱۳۴۸ به خاطر صدور اعلامیه‌ای با امضای وی و علامه طباطبایی و سید ابوالفضل مجتهد زنجانی مبنی بر جمع اعانه برای کمک به آوارگان فلسطینی و اعلام آن طی یک سخنرانی ضداسرائیلی در حسینیه ارشاد دستگیر شد و مدت کوتاهی در زندان تک سلولی به سربرد.

از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۱ برنامه‌های تبلیغی مسجدالجماد را زیر نظر داشت و غالباً خود سخنران اصلی بود تا اینکه آن مسجد و به دنبال آن حسینیه ارشاد تعطیل گردید و بار دیگر مطهری دستگیر و مدتی در بازداشت قرار گرفت. پس از آن مطهری سخنرانی‌های خود را در مسجد جاوید و مسجد ارک و غیره ایراد می‌کرد. بعد از مدتی مسجد جاوید نیز تعطیل گردید. در حدود سال ۱۳۵۳ ممنوع‌المنبر گردید و این ممنوعیت تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت.

## مبارزه با التقاط

مهم‌ترین دستاوردهای مرتضی مطهری در طول زندگی‌اش ارائه ایدئولوژی اسلامی از طریق درس و سخنرانی و تألیف کتاب است.

حساسیت این گونه فعالیت فرهنگی خصوصاً در سالهای ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ به خاطر افزایش تبلیغات گروه‌های چپ و پدید آمدن گروه‌های مسلمان چپ و ظهور پدیده التقاط به اوج خود رسید. گذشته از آیت الله خمینی، مطهری نیز دیگران را از همکاری با سازمان «مجاهدین خلق ایران» باز می‌داشت.

در این سال‌ها مطهری به توصیه روح الله خمینی هفته‌ای دو روز برای تدریس به قم می‌رفت و هم‌زمان در تهران نیز به تدریس در منزل ادامه می‌داد.

در سال ۱۳۵۵ به دنبال اختلاف با یکی از اساتید دانشکده الهیات زودتر از موعد مقرر بازنشسته شد. همچنین در طول این سال‌ها، مطهری با همکاری تنی چند از شخصیت‌های روحانی، «جامعه روحانیت مبارز تهران» را بنیان گذارد بدان امید که روحانیت شهرستان‌ها نیز به تدریج چنین سازمانی پیدا کند.

## ارتباط با آیت الله خمینی و انقلاب

گرچه ارتباط مرتضی مطهری با آیت الله خمینی پس از تبعید ایشان از ایران به وسیله نامه و غیره استمرار داشته‌است ولی در سال ۱۳۵۵ موفق گردید مسافرتی به



### نقد سخنرانی مجتهد شبستری پیرامون عصمت پیامبر اکرم (ص)

سال اصلاح افکار معارف کرامت یار ..... ماهنامه ظهور

اشاره: موضوع این بحث در ارتباط با سخنرانی آقای محمد مجتهد شبستری است که چهارم اسفندماه سال گذشته در دانشگاه صنعتی اصفهان به مناسبت سالروز رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله ایراد شده است و این سخنرانی در هشت اسفند (چهار روز بعد) در سایت خبری تابناک منتشر شده است...

ابتدا محور مهم سخنرانی شبستری و سپس نقد استاد علی ربانی گلپایگانی بر این نظریه مطرح می شود:

موضوع بحث شبستری آنطور که خودشان در آغاز بیان کرده اند عبارتست از "انتظار ما از پیامبران" و هدف از بحث آنطور که خود گفته است پاسخ به نقدهایی است که طی این بیست سال که مباحث تواندیشی دینی یا روشنفکری دینی مطرح شده است بر دیدگاه ایشان و همفکرانشان وارد شده است. وی می گوید:

"پیامبر در آن چیزی که وظیفه اصلی او بود (یعنی دعوت به توحید) معصوم بود. همه جا پیامبر صلی الله علیه و آله به توحید دعوت کرده و در این مطلب انحرافی نداشته است. این محدوده عصمت پیامبر است که ایشان در مسئله دعوت به توحید می پذیرد."

**نقد و ارزیابی:**

ایشان سه حوزه برای عصمت باز کرده است: عصمت علمی؛ عصمت رفتاری؛ عصمت در حوزه ذهن و قلب.

الف) عصمت در حوزه رفتار: در حوزه رفتار عصمت را منحصر کرده اند به دعوت به توحید. و گفته است در حوزه دعوت به توحید پیامبر معصوم بوده است چون وظیفه اصلی او بوده است.

سوال ما این است که آیا وظیفه پیامبر صلی الله علیه و آله منحصر به دعوت به توحید بوده است؟ اگر به خود قرآن مراجعه کنیم دعوت به توحید یکی از وظایف است نه تنها وظیفه. "ولقد بعثنا فی کل امه رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت" این یکی از وظایف است. اما وظایف دیگر چه؟ « هو الذی بعث فی الامم رسولا منهم يتلوا عليهم آياته » یعنی آیات قرآن را بر مردم خواندن هم وظیفه اوست. پس در این حوزه هم باید معصوم باشد. "ویزکیهم" اسوه و مربی اخلاق هم هست. پس باید در این حوزه هم معصوم باشد. "ويعلمهم الكتاب والحكمة" تبیین معارف دین هم وظیفه دیگر اوست. پس باید معصوم باشد. پس اگر به قرآن مراجعه کنیم ملاک شما درست است اما عام است و اختصاص به حوزه دعوت ندارد.

ب) عصمت در حوزه عمل به احکام: ایشان در جایی می گویند: "این محل اختلاف است و اقوال مختلف است. و شاید از آیه «انما انا بشر مثلکم» بتوان گفت در این حوزه هم پیامبر مثل سایر انسانها است. گاهی ممکن است مرتکب گناه هم بشود."

در اینجا این ادعا در حد شاید هم، نادرست است. عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله آن هم در زمان نبوت و آن هم از کبائر اصلاً اختلافی نیست. مگر حشویه (ظاهر گرایان افراطی و گروهی از اهل حدیث) که حرف های بی ربطی می زدند. وقتی قرآن از قول شیطان می گوید: "قبعز تک لاغویهم اجمعین الاعبادک منهم المخلصین" یعنی شیطان توان اغوای مخلصین را ندارد. و پیامبر صلی الله علیه و آله سید مخلصین است. در مورد یوسف علیه السلام فرموده است: "انه من عبادنا المخلصین" یا می فرماید: "ولقد همت به و هم بها لولا ان

رأی برهان ربه" او مخلص است و گناه نکرد حتی میل به گناه هم نداشت یعنی حتی در ذهنش هم نیامد که دل به زلیخا بدهد. چون می فرماید: اگر برهان پروردگارش را ندیده بود میل میداشت. در جای دیگر درباره پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: "ماضی صاحبکم و ماغوی" یعنی پیامبر هیچ گاه گمراه نشده است و گناهی از او سر نزده است. یا درباره پیامبر و خاندان نبوت می فرماید: "انما یرید الله لیلهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا" که مقصود اراده تکوینی خداوند است که به دور کردن هرگونه پلیدی از اهل بیت نبوت تعلق گرفته است و در اراده تکوینی خداوند تخلف راه ندارد. خداوند فرموده است: "لا ینال عهدی الظالمین" عهد نبوت و امامت شامل ظالمین نمی شود و کسی که مرتکب گناه شود ظالم است: "و من یتعد حدود الله فالنکک هم الظالمون".

ج) عصمت در حوزه قلب و ذهن: ایشان می گویند این محل بحث من است؛ مستند ایشان یکی همان حدیث "انه لیغان علی قلبی" است و یکی هم آیه "انما انا بشر مثلکم" است.

اولاً: در یک حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: "ما منکم الاوله شیطان" قالوا: "وانت یا رسول الله" قال: "وانا الا ان الله تعالی اعانتی علیه فاسلم علی یدی" یعنی هیچ یک از شما نیست مگر این که شیطانی درصدد گمراه کردن اوست. گفتند این مطلب در مورد شما هم صادق است؟ فرمودند: آری ولی شیطان من به دست من تسلیم شده است. یعنی نمی تواند در پیامبر تأثیر کند.

ثانیاً: پیامبر فرمودند: "تام عینی و لاینام قلبی" یعنی چشمان من می خوابد ولی قلبم نمی خوابد. که مقصود خواب غفلت است. چنان که فرمود: "الناس نیام اذا ماتوا انتبهوا" در این روایت نوم مردم نوم غفلت است. مردم بیدارند اما دل های ایشان خواب است. پس وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید چشمان من می خوابد و قلبم بیدار است یعنی عکس مردم. مردم چشمانشان هم که بیدار است قلبشان خوابیده. من حتی چشمانم خوابیده دلم بیدار است. هم در بیداری هم در خواب. قلب پیامبر هیچ گاه نمی خوابد. یعنی غفلت و وسوسه در آن راه ندارد. قلب پیامبر چنین توصیفی دارد پس چگونه می تواند خواطر شیطانی و اوهام آن را فرا گیرد؟

ثالثاً: در آیه تطهیر رجس مطلق است و تمام پلیدی های ظاهر و باطن را شامل می شود، بنابراین اهل کساء (پیامبر، علی، فاطمه و حسین علیهم السلام) از هرگونه پلیدی پیراسته اند؛ تجرد شیطان تجرد وهمی است و نمی تواند در قلب پیامبر صلی الله علیه و آله که تجرد عقلی دارد نفوذ کند.

رابعاً: معنای حدیث "انه لیغان علی قلبی و انی استغفر الله کل یوم سبعین مره" آنچه آقای شبستری گفته است نیست. این حدیث را غزالی در کتاب احیاء العلوم (جلد چهارم صفحه ۱۱۵-۱۱۶) شرح کرده است. خلاصه آن این است که پیامبر آنگاه که خداوند به او فرمود که سجده کند و به خداوند تقرب



و بشری دارد ولی از آن جهت که رسول خداست و دریافت کننده وحی است و مأموریت هدایت را به عهده دارد از صفات معنوی و بالایی برخوردار است و برگزیده خداوند است و از هدایت مخصوص الهی برخوردار است. "اولئك الذين هدى الله فبهداهم اقتده" (انعام/ ۹۰)؛ خداوند آنان را برگزیده است. "و اجبتناهم و هدیناهم الى صراط مستقیم" (انعام/ ۸۷)؛ "و کلاً فضلنا علی العالمین" (انعام/ ۸۶)؛ هر یک از پیامبران را بر دیگران برتر دادیم.

ایشان با استاد به آیه "لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک و ما تأخر" گفته است: می شود قبول کرد پیامبر گناه کرده یا می کند و خدا هم او را آمرزیده است. جواب اینست که این آیه ناظر به فتح مکه یا صلح حدیبیه است که آیه "انا فتحنا لک فتحا میناً" به آن اشاره دارد. در این جا این پرسش مطرح می شود که چنین پیروزی بزرگی که نصیب پیامبر و مسلمانان شد چه ربطی به بخشش گناهان پیامبر دارد؟ کسی اگر بخواهد مورد آموزش قرار گیرد باید خودش زحمت بکشد. باید توبه کند. این که خدا فتح را برساند چه ربطی دارد به آموزش گناهان پیامبر؟ مثلاً اگر فرموده بود ما تو را بر توبه و انابه و استغفار توفیق دادیم تا تو را بیامرزیم این به هم اتباط پیدا کرد اما ما پیروزی دادیم تا تو را بیامرزیم؛ این چه ربطی به هم دارد؟

این مطلب قرینه است بر این که ذنب به معنای گناه در معنای شرعی آن نیست، بلکه معنای لغوی آن منظور است، یعنی پیامد و تبعات بدکاری، پیامبر نزد مشرکین و کفار گناهکار بود. چون بت ها را به باد انتقاد گرفت و مذهب آنها را بر هم زد. هم قبل از هجرت و هم بعد از آن، که "ما تقدم" به قبل از هجرت و "ما تأخر" به بعد از هجرت اشاره دارد. پیامبر نزد مشرکین گناهکار بود هم قبل و هم بعد از هجرت. و فتح صورت گرفت تا این تبعات تمام شود. چون مشرکین دنبال انتقام بودند. این تفسیر علامه طباطبایی در المیزان در ذیل آیه شریفه است و سپس ایشان در قسمت بحث روایی هم روایتی از امام رضا علیه السلام در پاسخ مأمون که پرسید آیا این آیه با عصمت پیامبر منافات ندارد نقل کرده، که امام علیه السلام همین مطلب را بیان کرده است.

عصمت علمی پیامبر صلی الله علیه و آله: از مطالب یاد شده روشن شد که پیامبر صلی الله علیه و آله از نظر علمی هم معصوم بوده است. او معارف و احکام الهی را به طور کامل و بی کم و کاست دریافت می کرد و به صورت کامل و بی کم و کاست به مردم ابلاغ نمود. این مطلب در آیه پایانی سوره جن بیان شده است: "لیعلم ان قد ابلغوا رسالات ربهم" چنان که آنچه او در تبیین شریعت یا توصیف طبیعت و تعریف و تفسیر هستی و جهان فرموده است کاملاً مطابق با واقع و حق بوده است. سخن او وحی الهی بوده است "ان هو الا وحی یوحی" و گفتار فصل و حق بوده است "انه لقول فصل و ما هو بالهزل" در قرآن هیچ سخن باطل و نادرستی راه نیافته است "لایاتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه" بنابراین آنچه در قرآن درباره توصیف جهان و طبیعت آمده است درست بوه و هیچ گونه خطایی در آن راه ندارد.

منبع: سایت خیری حوزه نت

بجوید (علق/ ۱۹) سجده کرد و این ذکر را گفت: "اعوذ بعفوک من عقابک و اعوذ برضاک من سخطک و اعوذ برحمتک من عذابک و اعوذ بک منک و لا احصی ثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک". خدایا من از عقاب تو به بخشش تو پناه می برم و از خشم توبه رضایت تو؛ و از خودت به خودت، من توان شمارش ثنای تو را ندارم؛ ثنای تو همان است که خود بر خود کرده ای. اینها مراتب توحید است. مرتبه اول توجه به خدا و افعال خداست. یعنی جز خدا فعل او چیزی نیست. مرتبه دوم به ذات و صفات خدا نظر دارد که بالاتر است و مرتبه سوم این است که فقط ذات مورد توجه است گویی جز ذات هیچ چیزی وجود ندارد، ولی در این مرتبه به ثنا گوینده که خود پیامبر است توجه است لذا عالی ترین مرحله این است که اذعان و اقرار کند که نمی تواند حق ثنای خدا را ادا کند. استغفار پیامبر در حقیقت ناظر به این مراتب است و اولین مرتبه توحید پیامبر پایان توحید دیگران است که در آن مرحله هم شیطان راه ندارد. حال چگونه شیطان در مراتب دیگر راه دارد؟ و چگونه می توان گفت قلب پیامبر دچار اوهام شیطانی بوده است؟ اشتباه آقای شهبستی این است که مقام نبوت که از نظر فلاسفه و عارفان الهی عالی ترین مقام معنوی انسان است را پایین آورده و حتی از مقام تقوا و اخلاص صالحان نیز پایین تر آورده است. این در حالی است که وی در آثار و گفته های خود اظهار تمایل و علاقه به عارفان و دیدگاه های آنان می کند.

و اما آیه "انما انا بشر مثلکم" که ایشان بر فرضیه خطا پذیری پیامبر به آن استناد کرده است می گوئیم این آیه و آیات همانند آن که بر بشر بودن پیامبر تأکید دارد ناظر به دو چیز است:

۱- مشرکین و مخالفین فکر می کردند که پیامبر از جنبه حیات معمولی باید از دیگران مستثنی باشد. لذا می گفتند: "ما لهذا الرسول یا کُل الطعام و یشمی فی الاسواق" این برای آنها عجیب بود که پیامبر هم به بازار برود و چیزی بخورد. انبیاء در جواب فرمودند: "ما انا الا بشر مثلکم" در حقیقت آیه بیانگر این است که انبیاء هم به لحاظ جسمی و حیات طبیعی عاطفه و احساسات دارند. بدین جهت بود که پیامبر صلی الله علیه و آله آن گاه که فرزندش ابراهیم را دید که در حال جان دادن است، اشک از دیدگانش جاری شد فرمود: دل می سوزد و چشم می گرید ولی سخنی که بر خلاف رضای خدا باشد بر زبان نمی آورم.

۲- توقعات و انتظارات غیر منطقی مشرکین و کفار که در (سوره اسرا آیات ۹۳-۹۰) نقل شده است. مانند: "آسمان را بر ما فرود آوری؛ خداوند را نزد ما بیاوری؛ به آسمان بالا بروی و از پیش خدا کتابی بیاوری." خداوند به پیامبر فرمود که در جواب آنها بگویید: "هل کنت الا بشر رسولاً" این موارد کارهای خدایی است در حالیکه من بشرم. اما وقتی می گویند: "یوحی الی" این بعد معنوی است. اجتناب و اصطفا و مخلص بودن به این جنبه بر می گردد پس اگر ما آنان را جمع کنیم نتیجه می گیریم در بعد حیات طبیعی "بشر مثلکم" و در بعد حیات معنوی که حیث رسالت و وحی است پیامبر صلی الله علیه و آله امتیاز دارد پیامبر صلی الله علیه و آله از آن جهت که بشر است زندگی طبیعی



معرفی مفاخر بروجرد

درس استادانی همچون آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی و سید محمد کاظم یزدی حضور یافت. در اواخر سال ۱۳۲۸ بنا به اصرار پدر به دیار خود رفت و در آن جا با تشکیل کلاس‌های درس و جمع آوری طلاب، سنگ بنای حوزه ای نامدار در بروجرد را گذارد. در سال ۱۳۶۴ ه.ق. بر اثر کسالت برای معالجه به بیمارستان فیروزآبادی تهران منتقل گشت و پس از بهبود بر اثر اصرار فراوان علما و بزرگان حوزه علمیه قم، برای اقامت در این شهر و سرپرستی حوزه علمیه قم به این دیار رهسپار گردید و در آنجا بعنوان مرجع تقلید شیعیان جهان مورد پذیرش قرار گرفت و منشا خدمات زیادی شد...

آیت الله بروجردی به حق یکی از دانشمندان بزرگ در یکصد سال اخیر به شمار می روند به طوری که غیر از فقه و اصول که اوج توانایی ایشان را نشان می داد، در زمینه هیئت و ریاضی قدیم نیز سرآمد بودند.

ایشان دارای تالیفات آثار مکتوب فراوان از جمله "طبقات الرواه"، "بیوت الشیعه"، "رساله حول سند الصحیفه السجاده"، "ترتیب اساتید الکافی" است. از آثار به جای مانده آیت الله بروجردی مسجد اعظم قم است که در ۲۱ تیرماه سال ۱۳۳۳، مصادف با ولادت امام هشتم شیعیان امام رضا علیه السلام طی مراسم باشکوهی اولین کلنگ آن به دست ایشان زده شد.

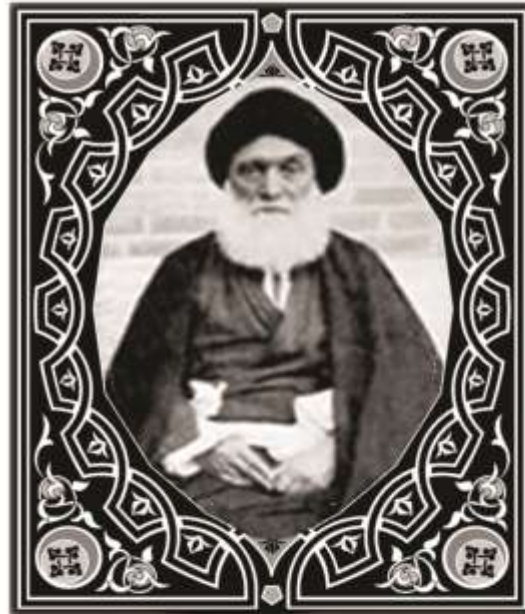
از جمله خدمات ایشان می توان به تأسیس کتابخانه‌ها و مدارس در شهرهای نجف اشرف، کرمانشاه، ساخت مسجد در هامبورگ و همچنین کمک به ساخت مدارس اسلامی اشاره کرد.

اندک اندک شوال ۱۳۸۰ ق. فراسید و بیماری بر پیکر مرجع نود و سه ساله جهان اسلام پنجه افکند. بیماری دشواری که با دیگر رنجوریهای استاد فقیهان تفاوت داشت.

در چنین روزهایی گروهی از ارادتمندان به عبادتش شتافتند.

استاد، که بسیار اندوهگین می نمود،

آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی (۱۳۸۰ - ۱۲۹۲ ه.ق.) از علمای مشهور و مراجع شیعه در قرن ۱۴ در یکی از خانواده های اصیل شیعه در شهر بروجرد متولد شد. پدرش حاج سید علی از علمای بروجرد بوده اند. معظم له از سادات طباطبائی می باشد و با سی واسطه به دومین پیوای شیعیان حضرت حسن بن علی علیه السلام می رسد. جد ششم آن مرحوم، فقیه و حکیم عالیقدر سید محمد بروجردی است که خود از بزرگان و دانشمندان قرن یازدهم هجری به شمار می رود.



سید محمد بروجردی داماد میر ابوطالب پسر ابوالمعالی کبیر، تنها داماد و فقیه مشهور ملا صالح مازندرانی است که او نیز داماد علامه بزرگوار ملا محمد تقی مجلسی می باشد. (۱) از هفت سالگی به مکتب فرستاده شد و قرائت قرآن و ادبیات و منطق را به سرعت فرا گرفت، سپس در سن ۱۸ سالگی به سال ۱۳۱۰ ه.ق. به اصفهان عزیمت کرد و از محضر میرزا ابوالمعالی کلباسی و سید محمد باقر درجهانی و میرزا محمد تقی مدرس و در فن علوم عقلی از محضر آخوند ملا محمد کاشانی و جهانگیرخان قشقایی استفاده کرد. همزمان با تحصیل در اصفهان به تدریس فقه و اصول پرداخت. حدود سال ۱۳۲۰ ه.ق. به نجف اشرف رهسپار شد و در

## از تفرقه و کدورت شدیداً احتراز کنید.

حضرت امام خمینی (ره)

# کلمن مظهر

سال اصلاح افکار مصرف کرامت یار

بیداریم را می گذرانند و اولین لحظه‌ی برخواستن از خواب را به خود مشغول دارد، چرا چنین نباشد؟ با این که علاوه‌ی بر استفاده‌ی علمی متجاوز از ده سال از محضر شریف در ارتباطات و تماس‌های خارج از محیط درس که در هر هفته لااقل یکی دو مرتبه اتفاق می افتاد جز لطف و محبت، مهربانی و عطف و تجلیل از مقام شامخ علم و تذکر خدا و آخرت و اصلاح امور مسلمین و توجه به وضع درمندان چیزی از تو مشاهده نکردم. خدا گواه است در هر نوبت که موفق به محضر شریف او می شدم، معنویت او بیشتر از مرتبه سابق برایم جلوه می کرد و ارادتم افزون تر می گشت تظاهر به زهد از او دیده نشد با اینکه در باطن کاملاً زاهد بود؛ اگر فضیلتی را در محصلی احراز می کرد امکان نداشت بدون تقدیر و تشویق بگذارد و لو این که آن فضیلت فقط خوبی خط یا املاء و انشاء صحیح بوده باشد. ای مرد با عظمت من چطور در اطراف تو قلم فرسایی کرده و بزرگی تو را مجسم کنم با این که هنوز قلم یارای نوشتن خاطرات تو را به عنوان خاطرات بعد از مرگ ندارد هنوز عظمت تو مانع از تصور مرگ است برای تو البته چنین است. هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به علم ثبت است بر جریده‌ی عالم دوام ما

با این که هر روز به زیارت قبر پرفیض تو موفق شده و در کنار آن با دیدهای اشکبار قرائت کلام الله مجید می کنم، ولی باور ندارم که تو در زیر خاک قبر نهان شده‌ای و دیده از این عالم فرو بسته‌ای. هنوز صدای روح افزای تو در محیط مسجد اعظم به گوش می رسد و محراب عبادت آن وجود تو را در میان خویش مجسم می دارد. تو فراموش نخواهی شد؛ زیرا که هر روز فضائل تو برای مردم بیشتر روشن می گردد و بر ارادت آنان افزوده می شود. به هر حال گر چه در صبح پنجشنبه سیزدهم شوال المکرم سال ۱۳۸۰ قمری که مطابق با دهم فروردین ۱۳۴۰ شمسی ساعت ۲۰ و ۷ دقیقه ستاره‌ی درخشان ما غروب کرد و خورشید فضیلت ما در حالی که خورشید تازه سر از افق بیرون آورده بود برای پرتو افشانی عالم دیگر رفت ولی پرتو نور او و شعاع درخشندگی اش ما را شامل خواهد بود. شعرای زبردست برای مادی تاریخ سال فوت ایشان هر کدام به نوبه خود مصراعی سروده اند، مانند: (عاشور دوم نباشد از مرگ حسین) یا (عین شمع نهاده بسر نقطه‌ی سیاه) یا (این فقیه اهل بیت اطهر است) یا اشعار دیگر، ولی فوت او محتاج به مادی تاریخ نیست؛ زیرا که در قلوب ثبت است ۱۲ ذی قعدة ۱۳۸۰ محمد موحدی لنگرانی

سربلند کرد و گفت: خلاصه عمر ما گذشت ما رفیقیم و نتوانستیم چیزی برای خود از پیش بفرستیم و عمل با ارزشی انجام دهیم.

یکی از حاضران گفت: آقا، شما دیگر چرا؟ بحمدالله این همه آثار نیک از خود بر جای نهاده اید شاگردان پرهیزگارتربیت کرده اید، کتابهای پرارزش به رشته نگارش کشیده اید.

مسجدها و کتابخانه ها ساخته اید. ما باید چنین سخنی بر زبان رانیم فقیه پارسای شیعه فرمود: خلص العمل فان الناقد بصیر بصیر. (باید کدورت را خالصانه برای خدا انجام دهی زیرا او به همه چیز بیناست و از انگیزه های بشر آگاه است).

این سخن حاضران را بسیار تحت تأثیر قرار داد. چند روز پس از این گفتگو پیکر استاد رنجورتر شد و سرانجام در سیزدهم شوال ۱۳۸۰ ه ق برابر با دهم فروردین ۱۳۴۰ ه ش، برای همیشه چشم از جهان فرو بست و در مسجد اعظم قم، که خود بنیاد نهاده بود، به خاک سپرده شد.

### بوشته‌ای خاطره انگیز

متن زیر نوشته‌ای است خاطره انگیز و تاریخی که با خطی زیبا در پشت عکس مرجع عالم تشیع حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه) که در تاریخ ۱۲ ذی قعدة ۱۳۸۰ قمری مطابق با ۸ اردیبهشت ۱۳۴۰ شمسی به قلم شیوای حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (قدس سره) تحریر شده است:

عکس ظهر، تمثال خورشید عالم تابی است که با گهان و بدون انتظار از آسمان فضیلت غروب کرد. دنیای تشیع مخصوصاً عالم روحانیت در ماتم او غرق در اندوه و حزن گردید. فرزندان بی شمار او در مرگ پدر خویش بی تاب و توان گشتند. ای استاد ارجمند و ای سرور معظم و ای مولای مکرم، در مدح تو چه نگارم و کدام یک از فضائل تو را یاد آور شوم و حال آن که در این هنگام که مدت یکماه است از افول تو می گذرد، هنوز تأثر و اندوه شیعیان پایان نیافته و شک های دیده‌ی آنها خشک نگشته، بلکه هر روزی که بر مدت غروب تو می گذرد، به همان اندازه فقدان تو بر تأثرات می افزاید. ای سرو با فضیلت و ای مظهر صفات خدا و ای آیت عظمی، هر زمان که صفحه‌ی خاطر، مورد اشغال قهری امور دگر واقع نشود، تنها چیزی که بر آن نقش می بندد خاطرات دوران پر اثر حیات تو است. فقط یاد تو است که آخرین لحظه‌ی



**عضو مجلس خبرگان رهبری: وهابیت دست نشانده قدرت‌های استکباری است**



عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با اشاره به حملات تروریستی اخیر در عراق گفت: مسئولان داخلی باید جلوی سفرهای آزاد به عتبات عالیات را بگیرند و این گونه سفرها بر اساس برنامه‌ها و ضوابط امنیتی انجام بگیرد. آیت‌الله حسن ممدوحی در گفت‌وگو با خبرنگار مرکز خبر حوزه اظهار داشت: کارهای عاملان این فجایع، عقلانی نیست و موجب بدنام کردن اسلام می‌شود. وی خاطرنشان کرد: وهابیت دست‌نشانده قدرت‌های استکباری همچون آمریکا و رژیم صهیونیستی است و عملاً اهداف آنها در منطقه را پی‌گیری و اجرا می‌کند.

**۹ درصد هزینه بلیت زائران خانه خدا به حساب یهودی‌ها واریز می‌شود**

به گزارش مرکز خبر حوزه، وزیر اسبق ترکیه در جمع طلاب مدرسه علمیه معصومیه قم گفت: هر ساله ۹ درصد از پول بلیت زائران خانه خدا و مدینه منوره، به حساب یهودی‌ها واریز می‌شود، در حالی که آنها بدترین جنایات را در فلسطین علیه مسلمانان انجام می‌دهند و قصد تصرف ایران، ترکیه، عربستان و مصر را برای تأسیس اسرائیل بزرگ دارند...



وی افزود: انقلاب اسلامی ایران دریچه‌ای برای نجات بشریت است و باید به سراسر جهان صادر شود تا آن را به هدف نهایی‌اش برسانیم. کسانی که انقلاب اسلامی را به پیروزی رساندند نجات دهنده همه بشریت بوده‌اند.



**مدیر مدارج علمی حوزه به دنبال تعریف جدیدی از مدارک حوزه هستیم**

مدیر مدارج علمی حوزه علمیه قم در گفت‌وگو با خبرنگار مرکز خبر حوزه به تفصیل درباره اساس مدرک دهی به طلاب، تغییر در سطوح علمی حوزه، ضوابط تدوین پایان‌نامه و اقدامات انجام گرفته برای تسهیل پایان‌نامه نویسی در حوزه سخن گفت.

حجت‌الاسلام مشایخی تأکید کرد: حوزه یک مجمع عالی آموزشی و تربیتی است که دانشگاه‌ها در بستر آن رشد کرده‌اند و ما برای خودمان یکسری اعتبارات ذاتی داریم.

وی یادآور شد: در جهان غرب هم دانشگاه در بستر و ظرف حوزه‌ها تولد و رشد یافته‌اند لذا باید مدارج خودمان را از خودمان داشته باشیم نه اینکه از جایی عاریه بگیریم.

ما به دنبال تعریف جدیدی از مراحل مدرک در حوزه هستیم و می‌توانیم یک الگوی معتبر و مستقل را در حوزه ایجاد و بر اساس آن حرکت کنیم و طرح این کار هم‌اکنون در حال انجام است.

**ریس دفتر جامعه مدرسین:**



**طلاب، جریان‌های سیاسی را به خوبی بشناسند.**

عضو شورای عالی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گفت: اطلاع‌رسانی صحیح، حرف اول را در تصمیم‌گیری‌ها، ارزیابی‌ها و نگرش‌ها می‌زند و حوزه علمیه باید پر قدرت‌تر و حرفه‌ای‌تر از گذشته در این عرصه حضور داشته باشد. وی یکی از دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب در سفر اخیر ایشان به قم را بیش سیاسی‌طلبان دانست و اظهار داشت: باید طلاب، جریان‌های سیاسی موجود را به خوبی بشناسند و مدار اطلاع‌رسانی و اطلاع‌گیری برای این مهم، فراهم باشد. وی گفت: متأسفانه برخی اساتید و طلاب، مطالعه نشریات و مطبوعات را تلف کردن عمر می‌دانند که باید با انجام مطالعات و اقدامات لازم و برنامه‌های منسجم، این فرهنگ، تغییر کند.

وی در پایان اظهار داشت: سلامت، صداقت و امانت در اطلاع‌رسانی حوزوی بسیار تأثیرگذار است و باید فارغ از هر گونه تعلق به جریان‌های سیاسی به رسالت خود در این زمینه توجه داشته باشیم زیرا حوزه و روحانیت به هیچ جریان خاصی تعلق ندارد و متعلق به همه مردم و سلاقی صحیح و سلیم است.



جلسه سخنرانی و پرسش و پاسخ پیرامون مسئله ازدواج در اسلام

در روز پنج شنبه مورخ ۸۸/۱/۲۷ با سخنرانی حجه الاسلام و المسلمین آقای قاسمی در حسینیه حوزه علمیه محدثه برگزار گردید. در این جلسه آقای قاسمی پیرامون مسئله ازدواج در اسلام ایراد سخنرانی نمودند و در آخر جلسه ، به پرسش های طلاب پاسخ دادند.



برگزاری مراسم جشن به مناسبت بازگشت طلاب از سفر معنوی و تشریف به مکه معظمه و مدینه منوره

در تاریخ ۸۸/۱/۳۰ طلاب حوزه علمیه محدثه ، مدرسه را برای خوش آمدگویی ایشان آماده کردند و با اسفند دود و گل به استقبال ایشان رفته و در مراسمی که به همین خاطر تشکیل شده بود طلاب حاجی از سفر زیارتی و معنوی خویش خاطراتی برای طلاب بیان نمودند.



بازدید دانش آموزان دبیرستان معارف صدرا از حوزه علمیه محدثه  
بازدید دانش آموزان دبیرستان معارف صدرا از حوزه علمیه محدثه به مناسبت هفته مشاغل در مورخ ۸۸/۱/۳۰  
در این دیدار مدیر محترم حوزه علمیه محدثه خانم رازجو توضیحات لازم را در مورد حوزه علمیه محدثه ، سال تأسیس و چگونگی تحصیل طلاب و... بیان نمودند که مورد توجه فراگیران علوم معارف قرار گرفت.

نماینده ولی فقیه در استان لرستان  
نیازمند احداث ده مدرسه علمیه بانوان هستیم  
استان لرستان از کمترین حوزه علمیه در سطح کشور برخوردار است و باید حوزه های علمیه در



این استان تشکیل و تقویت شوند و با وجود فعالیت ۶ مدرسه علمیه بانوان نیازمند ده مدرسه علمیه دیگر هستیم.



برگزاری مراسم عزاداری حضرت معصومه سلام .. علیها در مورخ ۸۸/۱/۲۴ روز دوشنبه مراسم عزاداری به مناسبت سالروز شهادت حضرت فاطمه معصومه در حسینیه حوزه علمیه محدثه به مداحی آقای قاسمی مداح اهل بیت عصمت و طهارت برگزار شده و در این مراسم طلاب و اساتید حضور به هم رسانیدند.



همه حق تبلیغات صحیح برای خود یا کاندیداهای خود یا دیگران را... دارند و هیچ کس نمیتواند جلوگیری از این حق نماید.

امام خمینی (ره)

## عواقب سبک شمردن نماز

فاطمه زهرا (س) از پدر بزرگوارش پرسید: پدر جان، یا رسول الله! زن و مردانی که نسبت به نماز بی اعتنا هستند و نماز را سبک می شمارند. چه عواقبی را در پیش دارند؟ رسول خدا (ص) فرمود: ای فاطمه جان! هر کس از مردان و زنان نمازش را سبک بشمارد. خداوند او را به پانزده بلا مبتلا می سازد: شش مورد در دنیا. سه مورد در وقت مرگ. و سه مورد آنها در قبر و سه مورد در قیامت. زمانی که از قبر خارج می شود:



- الف) اما آن شش بلایی که در دنیا دامنگیرش می شود:
- ۱ - خداوند، برکت را از عمرش می برد.
  - ۲ - خداوند، برکت را از رزقش می برد.
  - ۳ - خداوند عزوجل، سیمای صالحین را از چهره اش محو می کند.
  - ۴ - هر عملی که انجام می دهد پاداش داده نمی شود.
  - ۵ - دعایش به آسمان نمی رود.
  - ۶ - بهره ای از صالحین برای او نیست.

- ب) اما آن سه بلایی که هنگام مرگ گرفتارش خواهد شد:
- ۱ - دلیل از دنیا می رود.
  - ۲ - هنگام مرگ، در حال گرسنگی خواهد بود.
  - ۳ - تشنه از دنیا خواهد رفت، اگر چه آب نهرهای دنیا را به او بدهند.



- ج) اما آن سه بلایی که در قبر دامنگیرش می شود:
- ۱ - خداوند ملکی در قبر برای او می گمارد تا او را زجر دهد.
  - ۲ - قبرش برای او تنگ خواهد شد.
  - ۳ - گرفتار ظلمت و تاریکی قبر خواهد شد.

- د) اما آن سه بلایی که در روز قیامت گرفتار خواهد شد:
- ۱ - خداوند ملکی را موکل می سازد تا او را با صورت بر روی زمین بکشد، در حالی که خلاق تماشا می کنند.
  - ۲ - محاسبه اعمالش به سختی انجام می شود.
  - ۳ - خداوند به نظر لطف، به او نمی نگرد و برای اوست عذاب همیشگی.



## زن ریحانه آفرینش

السلامة علیها

فاطمه الزهراء

فاطمه زهرا علیها السلام در قله ی بشریت قرار دارد و کسی از او بالاتر نیست و می بینیم که آن بزرگوار به عنوان یک بانوی مسلمان، این فرصت و قدرت را یافت که خودش را به این اوج برساند. پس فرقی بین زن و مرد نیست و بخصوص شاید از همین جهت هم است که خدای متعال در قرآن وقتی که راجع به نمونه ی انسانهای خوب و نمونه ی انسانهای بد مثال می زند، مثال را در هر دو مورد از زن انتخاب می کند.

یک مورد زن فرعون و در مورد دیگر، همسر نوح و لوط را مثال می زند: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتٍ فرعون» (تحریم / ۱۱) در مقابل هم در مورد انسان بد و نگون سار و کج رفتار و انسانی که در جهت غلط حرکت می کند، به زن نوح و لوط مثال می زند.

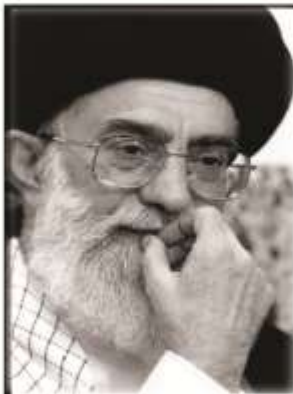
این جا، جای سؤال است که مرد هم بود، حالا یکی را از مرد و یکی را از زن مثال میزند. نه، در همه ی قرآن وقتی که می گوید «ضرب الله للذین امنوا» یا «ضرب الله للذین کفرو»، در هر دو مورد از زن مثال می زند. آیا این به این معنای آن نیست که ما باید از دیدگاه اسلام، به برداشت غلط و متأسفانه مستمر در تاریخ بشریت نسبت به جایگاه زن پاسخی بدهیم؟ اسلام می خواهد بایستد و این برداشت و روش و فهم غلط از مسأله ی زن را - که در طول تاریخ هم وجود داشته است - تصحیح کند.

من تعجب می کنم - جزاستها - چرا اینگونه بوده است؟ چرا بشریت همواره در باره ی مسأله ی زن و مرد، کج فکر کرده است و می خواهد در مقابل این بایستد شما از تعلیمات انبیاء که بگذرید، در همه ی برداشت ها و تحلیلها و تفکرات بشری، جایگاه زن و مرد، جایگاه غلطی است و نسبت زن مرد، نسبت غلطی می باشد. حتی در تمدن های خیلی بلند پایه ی دنیای باستان - مثل تمدن روم یا ایران - برداشت از زن، یک برداشت غلط است که من دیگر نمی خواهم جزئیات و تفصیلات را بیان کنم و لابد خودتان می دانید و می توانید هم مراجعه کنید.

مجموعه دیدگاه های مقام معظم رهبری

زن مانند گلی است که باید او را مراقبت کرد.

در داخل خانواده هم از نظر اسلام مرد موظف است زن را مانند گلن مراقبت کند.



## فاطمه ی زهرا علیها السلام الگوی زنان دنیا

اگر شخصیت فاطمه ی زهرا علیها السلام برای ذنهای ساده و چشمهای نزدیک بین ما آشکار می شد، ماهم تصدیق می کردیم که فاطمه ی زهرا علیها السلام سرور همه ی زنان عالم است؛ بانویی که سنین کم و در عمر کوتاه، به مقامات معنوی و علمی و معرفتی و به مرتبه ی برسد که برابر مرتبه انبیا و اولیاست.

در واقع فاطمه ی زهرا علیها السلام فجر درخشانی است که از گریبان او خورشید امامت و ولایت و نبوت درخشیده است؛ آسمان بلند و رفیعی است که در آغوش آن، ستاره های فروزان ولایت قرار گرفته است.

همه ی ائمه علیهم السلام برای مادر بزرگوار خود تکریم و تجلیلی قایل بودند، که برای کمتر کسی این همه احترام و تجلیل را از آن بزرگواران می شود دید.

زن ریحانه آفرینش

مجموع سخنرانیهای مقام معظم رهبری در باره زن تهیه و تنظیم: دفتر نشر آثار مقام معظم رهبری

گردآورنده: رقیه رحیمی



# کتابنا مظهر السبیل علیک ایتهما الصدیقه الشهبانیه

## فاطمه الزهراء



فطمت فاطمه من الشر (۱)

زهرا، صدیقه، طاهره، راضیه، مرضیه، مبارکه، بتول، ولقب هائی دیگر. از جمله لقب زهرا از شهرت بیشتری برخوردار است، و گاه با نام او همراه می‌آید (فاطمه زهرا) و یا بصورت ترکیب عربی (فاطمه الزهراء). زهرا که در تداول بیشتر بجای نام او بکار می‌رود در لغت، درخشنده، روشن و مرادف هائی از این گونه، معنی می‌دهد. و این لقب از هر جهت برازنده این بانوست. او چهره درخشان زن مسلمان، فروغ تابان معرفت و نمونه روشن پرهیزکاری و خداپرستی است. این درخشندگی به ساعتی مخصوص و روزی معین اختصاص ندارد. از آن روز که وظیفه خود را تعهد کرد تا امروز و برای همیشه چون گوهری بر تارک تربیت اسلامی درخشید.

نام او فاطمه است. فاطمه وصفی است از مصدر فطم. و فطم در لغت عربی به معنی بریدن، قطع کردن و جدا شده آمده است. این صیغه که بروزن فاعل معنی مفعولی می‌دهد، به معنی بریده و جدا شده است. فاطمه از چه چیز جدا شده است؟

در کتاب های شیعه و سنی روایتی می‌بینیم که پیغمبر فرمود: او را فاطمه نامیدند، چون خود و شیعیان او از آتش دوزخ بریده‌اند (۲) مجلسی از عیون اخبار الرضا و او باستاد خویش از علی بن موسی الرضا و محمد بن علی علیه السلام و آنان از مأمون و او از هارون و او از مهدی و او به به سند خویش از ابن عباس روایت کنند که: وی از معاویه پرسید می‌دانی چرا فاطمه را فاطمه نامیدند؟ گفت نه! ابن عباس گفت چون او و شیعیان او به دوزخ نمی‌روند (۳)

فتال نیشابوری ضمن حدیثی از امام صادق علیه السلام آورده است که چون از بدی ها بریده شد او را فاطمه نامیده‌اند (۴) بدین مضمون روایت های دیگر هم آمده است آنچنانکه برای صیغه وصفی نیز معنای دیگر جز آنچه نوشتیم ضبط کرده‌اند (۵)

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: بین جوانان حدیثی از شما باز می‌گویند که باور کردنی نیست. می‌گویند **خدا از خشم فاطمه به خشم می‌آید** (۶)

امام صادق علیه السلام فرمود: مگر شما این روایت را در کتاب خود ندارید که خدا از خشم فاطمه به خشم می‌آید؟

- چرا

- پس چرا باور نمی‌دارید که فاطمه زنی با ایمان باشد و خدا از خشم او بخشم آید. (۷)  
زندگانی زهرا علیه السلام در خانه شوهر نمونه است، چون سراسر زندگانی او نمونه است، چون خود او نمونه است، چون شوی او پدر او و فرزندان او نمونه‌اند. نمونه مسلمان هایی آراسته به فضیلت و خوی انسانی. انسان هائی که از میان مردم، برمی‌خیزند، با مردم زندگی می‌کنند، چون دیگر مردم راه می‌روند، می‌خورند، می‌پوشند، اما از آن سوی این غریزه‌ها سرشتی دارند، برتر از فرشته، سرشتی پیوسته به خدا. انسانهائی که درد دیگران را دارند، یا درد مردم را می‌دانند و می‌کوشند تا با رفتار و کردار خود درمان بخش آنان باشند و اگر نتوانند در تحمل رنج و دشواری با ایشان شریک شوند.

و گاه درد می‌کشند تا دیگران درمان یابند. چنین کسان طیبان الهی و شاگردان حقند و بحق مصداق کامل این بیت که:

كُلُّ بَرِيْدٍ رِجَالُهُ لِحَيَاتِهِ يَا مَنْ بَرِيْدُ حَيَاتِهِ لِرِجَالِهِ (۸)

از شخصیت فاطمه سخن گفتن بسیار دشوار است. فاطمه یک "زن" بود، آنچنان که اسلام می‌خواهد که زن باشد.

تصوی سیمای او را پیامبر، خود رسم کرده بود و او را در کوره های سختی و فقر و مبارزه و آموزش های عمیق و شگفت انسانی خویش پرورده و ناب ساخته بود. وی در همه ابعاد گوناگون "زن بودن" نمونه شده بود.

مظهر یک "دختر" در برابر پدرش.

مظهر یک "همسر" در برابر شویش.

مظهر یک "مادر" در برابر فرزندانش.

مظهر یک "زن مبارز و مسئول"، در برابر زمانش و سرنوشت جامعه اش.

وی خود یک "امام" است، یعنی یک نمونه مثالی، یک تیب ایده آل برای زن، یک "اسوه"، یک "

## اگر بخواهید در مقابل دنیا اظهار حیات بکنید که ما بعد از گذشتن چندین سال زنده هستیم، باید مشارکت کنید.

حضرت امام خمینی (ره)

سال اصلاح افکار و صرف کرامت یار

بانوی بزرگ اسلام از دوران کودکی پیوسته با حوادث تند بادهای سهمگین زندگی مواجه بود. رویدادهای غم انگیز، یکی پس از دیگری خاطر عزیزش را آزرده و افسرده می ساخت. از دست دادن مادر و محرومیت از آغوش پر مهر او در سنین کودکی، مشاهده و تحمل آزارها و فشارها و تهدیدهای شدید مشرکان نسبت به پدر بزرگوار و پیروانش در کله و صحنه های دلخراش مواردی از غزوات و از آثار آن جنگ ها و... جمله ی آن ها سبب صلب آسایش و راحت زیستن آن نازنین شده بودند. دختر عزیز حضرت رسول (ص) پس از رحلت پدر بزرگوارش که می دید حکومت اسلامی از مسیر اصلی و محور اصلی خود منحرف گشته است در مبارزه با دشمنان و احقاق حق ولی و امام خویش حضرت علی (ع) و دفاع از حریم مقدس اسلام نقش بسیار مهم ایفا نموده است.

سرانجام ضربت های خرد کنند روحی و جسمی که برپیکر آن بانوی برتر اسلام وارد شده بود کار خود را کرد و در اثر (لگزدن با نعل سیف) مشت اضر به فلز نوک غلاف شمشیر و سقط جنین سخت بیمار شده و به اندک زمانی پس از رحلت نبی مکرم اسلام یعنی در سوم جمادی الثانی بعد از ظهر سال یازده هجری در مدینه منوره شهیده از دنیا رفت و به پدر گرمای خود ملحق شد.



اسلام علیات ائمه الیه الرجوع

شاهد " برای هر زنی که می خواهد "شدن خویش" را خود انتخاب کند. او با طفولیت شگفتش، با مبارزه مدامش در دو جبهه خارجی و داخلی، در خانه پدرش، خانه همسرش، در جامعه اش، در اندیشه و رفتار و زندگی، " چگونه بودن" را به زن پاسخ می داد. نمی دانم چه بگویم؟ بسیار گفتم و بسیار نا گفته ماند.



در میان همه جلوه های خیره کننده روح بزرگ "فاطمه" آنچه بیش از همه برای من شگفت انگیز است این است که فاطمه همسفر و همگام و هم پرواز روح عظیم علی علیه السلام است.

او در کنار علی تنها یک همسر نبود، که علی پس از او همسرانی دیگر نیز داشت؛ علی در او بدیده یک دوست، یک آشنای درد ها و آرمان های بزرگش می نگریست و انیس خلوت بیکرانه و اسرار آمیزش و همدم تنهائی هایش.

این است که علی هم چگونه دیگری می نگرد و هم فرزندان او را. پس از فاطمه، علی همسرانی می گیرد و از آنان فرزندان می یابد.

اما از همان آغاز فرزندان خویش را که از فاطمه بودند با فرزندان دیگرش جدا می کند. اینان را "بنی علی" می خواند و آنان را "بنی فاطمه".

شگفتا، در برابر پدر، آن هم علی، نسبت فرزند به مادر، و پیغمبر نیز دیدم که او را چگونه ی دیگری می بیند. از همه ی دخترانش تنها به او سخت می گیرد، از همه تنها به او تکیه می کند. او را - در خرد سالی - مخاطب دعوت بزرگ خویش می گیرد.

نمی دانم از او چه بگویم؟ چگونه بگویم؟

**منابع:**  
زندگانی فاطمه زهرا (س)، سید محقق شهیدی  
زن، علی شریعتی  
پی نوشت ها:  
۱. روضه الواعظین ج ۱ ص ۱۴۸  
۲. بحار ص ۱۸ ج ۴۳ از امامی شیخ طوسی، حسینی، حافظ ابوالقاسم دمشقی و جمعی دیگر این حدیث را ضبط کرده اند (الصواعق المحرقة ص ۱۶۰)  
۳. بحار ج ۳ ص ۱۲  
۴. روضه الواعظین ص ۱۴۸  
۵. بحار ص ۱۲  
۶. خوارزمی ج ۱ ص ۱۶۰  
۷. بحار ج ۴۳ ص ۲۲  
۸. همگان دیگر کسان را برای خود می خواهند جز تو که خود را برای دیگر کسان می خواهی. (متن - دیوان ص ۱۹۰ ج ۳)



اگر همه پیرای، خداست یا هم تفاهم کنید. البته تبلیغ ... هیچ مانعی ندارد، لکن مثل مشروطه نشود.

(امام خمینی (ره))

## در این مهلت کوتاه!

آری قصه جانکاهی است زندگی!

این که عمری میان صبح و قنوت شناور شوی و این که عمری مسیر عمودی آفتاب و نور را طی کنی و بعد ورق برگردد و خواهان سیاهی باشی. بعد اینکه حس کنی میان مرداب شناوری آن قدر که خودت هم جزئی از مرداب شوی آیا این قصه جانکاهی نیست؟  
سایه ها همیشه در کمین اند.  
گرگ ها همیشه پشت سنگ حجت و با هیتی دلریا، لغزش و غفلت تو را به انتظار نشسته اند.

روپاه های بزرگ کرده با زیب و زینت سرنوشت و زندگی همچون در معرکه می تازد و ... تا وقتی که از درون تکان نخوری سر و کارت با اینهاست. لحظه لحظه متلاشی شدنت را با اینها می بینی. ابلیس آنچنان به ریش من و تو می خندد که قهقهه اش اشک هر دلسوخته ای را در می آورد. فقط کافی است کمی بنشین و بیندیشی به واژه های امهلال و املا. اگر چه نمی دانی در کجای راهی و نمی دانی چقدر از راه را پیموده ای و چقدر از جاده مانده است اما معلوم است که این جاده، سرانجام، انتهایی به نام زندگی بعدی دارد.

زندگی ای که دیگر امکان هیچ عمل و حرکت و کنشی از تو نیست.

اما تو ای عابر، پیاده، سواره!

با زندگی و سرنوشت چگونه ای؟

می گذاری تا مانند ظرفی در این مهلت کوتاه از مرداب لبریز شوی یا

می خواهی تهی از هر سیاهی شوی.

آه اگر این مهلت ها از تو گرفته شود و بن بستی را پیش روی خودت بینی!

ای عابر پیاده!

پرنده شدن راحت است وقتیکه به خودت بیایی. بگذار تا با خودت کمی رک

و راست باشی هیچگاه میان خودت فاصله نگذار خودت داری سرنوشت را رقم

می زنی به هر حال، کجا، چه رنگی، سیاه یا سفید همه اینها با خودت است.

در این مسیر پر پیچ و خم زندگی جاده های توفیق و استغفار هم هست در این

جاده، شبها و روزهایی از گریه و حسرت را پیش رو داری و چقدر خوب است در

این جاده، گام برداشتن می دانی در این جاده لذتی زیبا را از بارندگی خودت

خواهی دید

لااقل کمی سبک می شوی و برای پرنده شدن فضا را باز می بینی باور کن هنوز «او» تو را می خواند هنوز او تو را از خود نرانده و دوست ندارد کسی را که جزئی از خودش است براند. تلاش کن تا به روشنایی و نور برسی هر چند: عمری به جز بیهوده بودن سر نکردیم تقویم ها گفتند و ما باور نکردیم اما راه شیرینی به نام «توبه» باز است.

در این متن از برخی تعابیر ادبی در مجلاتی دیگر به لفظی دیگر استفاده شده است سوده گودرزی





مادر خودش را آرام نشان داد و پاسخ گفت: «نه، آقا خواب هستند!»

بعد، علی را در آغوش گرفت و نوازش کرد. علی غمگین به بیرون از اتاق چشم دوخت. صداها بیشتر و بیشتر شدند. امشب به حرم، سید و سالار نیامد! علمدار نیامد! علمدار نیامد!... عزا! ست، امروز! خمینی بت شکن، پیش خداست امروز... علی ناگهان لرزید. مادر کمی جا خورد. علی گفت: «مادرا! بیا برویم توی آسمان! برویم توی آسمان!»

مادر نمی دانست چه جوابی بدهد. یکی باید خودش را دلداری می دادو آرام می کرد. علی بلند شد و ایستاد. مادر که مانده بود چگونه جلودار او شود، پرسید: «چرا، علی؟» علی با زبانی بغض آلود پاسخ داد: «آخر آقا رفته اند توی آسمان!»

مادر دوباره دل آشوب شد. جا داشت که های های گریه کند. گریه ای پر از سوز و گداز که قفسه سینه اش را بسوزاند. زود دست علی را گرفت و همراهش از اتاق بیرون رفت...

صبح روز بعد، جماران بیش تر از شب قبل و مثل همه ایران در خود غوغا داشت. تلویزیون دایم امام را نشان می داد و سرودها و نوحه های غمگانه پخش می کرد. علی از تلویزیون دل نمی کند و حاج و واج بود. تلویزیون، آقا را در بیمارستان نشان می داد. مادر باز هم توی دل خود می گریست:

«پس چرا آقا حرف نمی زنند؟ من می خواهم بروم پیش آقا و با آقا بازی کنم!»

مادر که برایش سخت بود به حرف بیاید، به زحمت لب هایش را لرزاند و گفت: «آقا... رفته اند پیش خدا!»

علی با غصه به طرف در اتاق دوید. اخم هایش را تو هم کرد و با التماس گفت: «من هم می خواهم بروم پیش خدا!»

می خواهم آقا را ببینم.

برویم پیش خدا تا آقا را ببینیم!

منبع: مهربانترین پدر! باز نوشته مجید ملامحمدی

## خوابی پر از شاپرک غصه

صدای شیون و سینه زنی مردم یک لحظه قطع نمی شد.

صدای گریه مثل بارانی بود که از سر و روی جماران می بارید کسی آرام نداشت. حتی مسئولان هم مثل بقیه مردم به سر و سینه خود می زدند. آقا دیگر در میان مردم نبود. آقا با رویی نورانی و آرام و با بالهای بزرگ و زیبا از میان نور به سوی آسمانها و ملکوت پر کشیده بود. غم جانگاه می بر دل جماران و حسینیه کوچکش سنگینی می کرد. بچه ها و نوه های آقا بیشتر از همه احساس یتیمی می کردند و می گریستند.

مردها پیکر آقا را آماده می کردند تا غسل بدهند. بیرون از خانه و توی کوچه های حسینیه غوغا بود. نوحه های غریبانه مردم، دایم تا آسمان سیاهپوش بالا می رفت و به عرش می رسید.

حاج احمد آقا حال خوشی نداشت و شانه هایش از زور گریه و بی تابی، بالا و پائین می رفت.

علی تازه به خواب رفته بود؛ خوابی که پر از شاپرک سیاه غصه بود. چهره اش در خواب، مثل همیشه شاد و خندان نبود؛ گرفته و غمگین بود. مادر دایم، اما آرام آرام گریه می کرد و هر چند لحظه، نگاه پر غصه ای به علی می کرد تا از خواب نبرد و به پرواز پدر بزرگ و گریه شدید مردم پی نبرد. هیچکس قرار نداشت.

سقف آسمان به نظر آنقدر کوچک شده و پائین آمده بود که انگار برای زمین تبدیل به لباس سیاهی شده بود. دیگر هیچ ستاره ای در آسمان نمی درخشید و اثری از ماه نبود. درخت های خانه اجاره ای آقا، روی دوش هم کز کرده بودند و دست هایشان می لرزید.

ناگهان سر و صداها بیشتر شد. علی توی خواب غلطی زد. مادر دلواپس او شد. صدای «حسین (ع) حسین (ع)»! دسته ای از عزادارها؛ مثل بارانی به تن تب دار خانه ریخت و مثل نسیمی حزن آلود، به اتاق پر کشید. و دوباره علی غلط زد. مادر زود چشم های ملتهب خود را از اشک پاک می کرد.

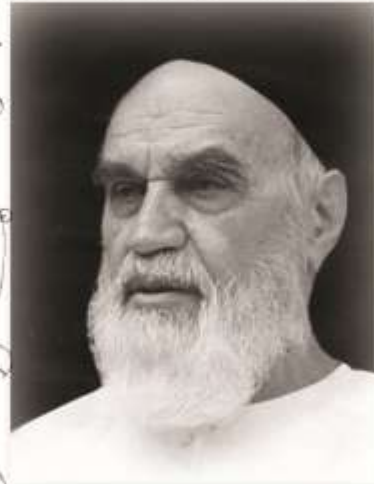
علی ناگهان از خواب پرید و با حیرت پرسید: «چه، چه شده است؟»

مادر با مهربانی گفت: «هیچی، علی جان، دسته آمده است!»

علی نشست و با ناراحتی به دور و برش خیره شد. بعد با دلهره گفت: «خوب، برویم پیش آقا!»



آشنایی با عرفان در محضر امام (ره)



سال اصلاح گفتگو صرف کرده‌بار.....

اشاره: امام خمینی (ره) خودمردی بودند که در وادی عرفان بسیار فرهیخته بودند و در همین زمینه مهم، که امروزه مورد تحلیل غلط بسیاری از فرقه های ساختگی قرار گرفته، مباحث و نصایح و مواعظ عرفانی و اخلاقی بسیاری را گنجانده اند. حضرت امام (ره) بیشتر مباحث خود را در زمینه عرفان به چهارچوب تزکیه و سلوک برده و در یک سخنان بسیار آموزنده وجود عرفان را نمایان می گرداند در این مقاله سعی در این است که همین مسائل پربار را البته با اندکی خلاصه تقدیم کنیم.

الف) ذکر

برای زنده نمودن دل، ذکر خدا و خصوص اسم مبارک «یا حی و یا قیوم» با حضور قلب مناسب است (۱) از بعضی اهل ذکر و معرفت منقول است که در هر شب و روزی یک مرتبه در سجده رفتن و بسیار گفتن لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین برای ترقیات روحی خوب است. (۲) یک لحظه از خدا غافل نباشید، غفلت از مبداء قدرت، انسان را به هلاکت می رساند. (۳)

پس ای عزیز، در دام ذکر و یاد محبوب تحمل مشاق هر چه بکنی کم

کردی، دل را عادت ده به یاد محبوب، بلکه به خواست خدا صورت قلب صورت ذکر حق شود. (۴)

آری، با ذکر واقعی، حجاب های بین عبد و حق خرق شود، و موانع حضور مرتفع گردد، و قسوت و غلظت قلب برداشته شود و درهای ملکوت اعلی به روی سالک باز شود و ابواب لطف و رحمت حق به روی او گشوده گردد.

ب) محاسبه ی نفس

پس اگر در دنیا حساب خود را کشیدی در موقف حساب گرفتاری نداری و از آن باکی برای تو نیست. (۶) اگر در شب و روز چند دقیقه ای به حساب اقبال و توجه آن - یعنی به مقداری که قلب حاضر است - نفس را محاسبه کند در تحصیل نور ایمان، و از آن مطالبه نور ایمان کند و آثار ایمان را از آن جستجو کند، خیلی زودتر به نتیجه می رسد. (۷) قبل از اینکه نامه ی اعمال ما برای پیشگاه خدا، و قبل از اینکه آن، برای پیشگاه امام زمان (عج) برسد، خودمان باید نظر کنیم. (۸)

عزیزاً! ممکن است در اول امر، انس با این معانی برای نفس مشکل باشد و شیطان وسوس و نفسانیه نیز به اشکال آن بیفزاید و انسان را از تحصیل این احوال مایوس کند و به انسان سلوک راه آخرت و سلوک الی الله را بزرگ و مشکل نمایش بدهد و بگوید این معانی مال بزرگان است و به ما ربطی ندارد، ...

بلی، اول مشکل نما است ولی اگر انسان وارد شود در آن، خدای تعالی طرق سعادت را آسان و نزدیک کند. (۹)

ج) حب دنیا

علاج قطعی اگر مقاسد به علاج حب دنیا و حب نفس است، زیرا که با علاج آن، نفس دارای سکونت و طمأنینه شود، و قلب آرامش پیدا کند و دارای قوم و ملکه اطمینان شود، و به امور دنیا سهل انگاری کند، و به هیچ ماکل و مشرب اهمیت ندهد، و اگر کسی با او در امری از امور دنیا مزاحمت کند، او با خونسردی تلقی کند و به سهل انگاری برگزار نماید، و چون

## مردم در سراسر کشور، در انتخابات فرد مورد نظر خود آزادند و احدی ... حق تحمیل خود یا کاندیداهای گروه یا گروهها را ندارد

حضرت امام خمینی (ره)

محبوب او طعمه اهل دنیا نیست، دنبال آن به جوش و خروش بر نخیزد و قطع ریشه محبت دنیاگر چه امر مشکلی است. خصوصاً اول امر و ابتدای سلوک - ولی هر امر مشکلی با اقدام و تصمیم عزم آسان شود، قوم اراده و عزم به هر امر صعب و مشکلی حکومت دارد، و هر راه طولانی سنگلاخی را نزدیک و سهل کند. (۱۰) معنویات اساس اسلام است، سعی کنید معنویات را زیاد کنید و از تشریفات، تا آن جا که مقدور است بکاهید. (۱۱) خود را به ساده زیستن عادت دهید، و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام پرهیزید. (۱۲) با زندگانی اشرافی و مصرفی نمی توان ارزش های انسانی - اسلامی را حفظ کرد. (۱۳)

مردم داری در سیره امام خمینی رحمه الله

### مردم، صاحبان اصلی انقلاب

امام خمینی رحمه الله، مردم را صاحبان اصلی انقلاب می دانست و برای آنان، ارزش و احترام ویژه ای قائل بود و در هر فرصتی، مسئولان را به خدمت رسانی و توجه کردن به مردم سفارش می کرد. این بزرگوار، خود می فرماید:

اینها باید حالا فکر این معنا باشند که مردم را داشته باشند و یکی از راههایش این است که وزارتخانه ها و ادارات، جووری باشد که نا رضایتی ایجاد نکند... (۱۴)

باید مردم را تقویت بکنیم. این مردمی که با قوت ایمان و روح شجاعانه، زن و مردشان در خیابان ریختند و این اساس را به هم زدند، اینها قدرت این را دارند که بسازند مملکت را... (۱۵) آن روزی که شما احساس کردید که می خواهید فشار به مردم بیاورید، بدانید که دارید دیکتاتور می شوید (۱۶)... سعی کنید با خدمتتان به مردم، این حضور دائم را جاودانه نگه دارید. آنچه انقلاب اسلامی را حفظ کرده، حضور مردم در صحنه است. مسئولین کشور، باید قدر این مردم فداکار و همیشه در صحنه را بدانند و خود را برای خدمت به آنان مجهز نمایند (۱۷)... مردم را در همه امور شرکت بدهیم. همان طوری که ملاحظه می کنید، اگر چنانچه این شور و شغف ملت و جوان های عزیز نبود، هیچ دولتی نمی توانست مقابله کند، با این قدرت هایی که همه قدرتش را پهلوی هم گذاشتند و به ما حمله کردند. بدون اینکه این ملت همراهی کند، ما نمی توانستیم کاری بکنیم. هر چه داریم، از اینهاست و هر چه هست، مال اینهاست. (۱۷)

### احترام و رسیدگی به مردم

امام خمینی، مردم را محترم و ارزشمند می دانست و همواره به آنان عشق می ورزید. «یک بار عده ای از گروه های مختلف مردم به مناسبتی، به دیدار امام در قم آمده بودند و حدود دو ساعت ابراز احساسات می کردند و در تمام این مدت، دستان امام به نشانه پاسخ به ابراز احساسات مردم بالا بود. در همان ایام، عده ای گفتند: آقا اگر خواستید به پشت بام بروید، اجازه دهید ما نخست برویم اوضاع را بررسی کنیم، سپس شما تشریف ببرید. لکن امام اعتنایی نکردند و تا سر و صدای مردم را از کوچه می شنیدند، همان لحظه عمامه بر سر نهاده، نعلین را به پا می کردند و از پله ها بالا می رفتند و به دیدار مردم می شتافتند». (۱۸)

### پی نوشت ها:

۱. شرح حدیث، جنود عقل و جهل، ص ۱۲۵
۲. برگرفته از المراقبات، میرزا ابوالفضل آقا ملکی تبریزی (ره)، ص ۱۲۳
۳. کلمات فصاحت، پندها و نصیحت ها، ۸۲
۴. اربعین حدیث، ج اول، ص ۲۷۹
۵. شرح حدیث، جنود عقل و جهل، ص ۱۲۴
۶. اربعین حدیث، ج دوم، ص ۳۱
۷. شرح حدیث، جنود عقل و جهل، ص ۱۰۷
۸. کلمات فصاحت، ص ۶۶
۹. شرح حدیث، جنود عقل و جهل، ص ۱۰۷
۱۰. همان، ص ۲۵۴
۱۱. کلمات فصاحت، ص ۷۳
۱۲. همان
۱۳. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۳۱۸
۱۴. سید حسن اسلامی، امام، اخلاق، سیاست، ص ۱۸۲
۱۵. صحیفه نور، ج ۸۱، ص ۵۸
۱۶. حضور، ش ۸۱ زمستان ۱۳۷۵، ص ۵۴
۱۷. صحیفه نور، ج ۹۱، ص ۶۳
۱۸. امیررضا شتود، پایه های آفتاب، ج ۴، ص ۳۷۱ و ۳۷۱



## چگونگی نظارت در سلامت انتخابات

**اشاره :** در خردادماه سال ۱۳۸۸، یک بار دیگر مسئله انتخابات پا به عرصه نموده و بسیاری از مجموعه ها را به فعالیت وامی دارد به خصوص بخش نظارت شورای نگهبان که با صلاحدید های مسئولین افرادی برای انجام این کار عظیم، که به جرأت می توان گفت مداری است که انتخابات به گرد آن می چرخند، انتخاب کرده و هر ساله سعی دارد که انتخابات با سلامت واقعی همراه باشد، در حوزه علمیه محدثه سلام الله علیها بروجرد حدوداً ۳۰ نفر خدمت می کنند که مانیز طبق این مسئله مهم، تصمیم گرفتیم جایگاه نظارت را در انتخابات برای عزیزان بازگو نماییم هر چند که سالها با خدمت صادقانه خویش مهارت و جایگاه خویش را نشان داده اند، باشد که مورد استفاده ناظرین جدید قرار گیرد.

مقدمه :



پاسداری و صیانت از جامعیت نظام مقدس جمهوری اسلامی مطابق قانون اساسی به عنوان یک مسئولیت سنگین حساس به عهده شورای نگهبان گذاشته شده است، نحوه تحقق این مسئولیت در قالب حراست از احکام

اسلام، صیانت از قانون اساسی و نظارت در جهت تحقق جامعیت نظام بیان گردیده است.

مطابق با قانون اساسی دامنه نظارت شامل کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و سیاسی و غیر اینها خواهد شد و تشخیص امر نیز به عهده ی فقهای شورای نگهبان است.

بر اساس اصل نود و نه قانون اساسی، نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی را بر عهده شورای نگهبان گذاشته است. طبق اصل ۹۸ قانون اساسی، تفسیر قانون اساسی به عهده ی شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می شود. تاکنون این شورا تفسیر هایی از قانون اساسی بیان داشته است که تفسیر نظارت استصوابی بر انتخابات از همین اصل گرفته شده است.

## ماهیت نظارت

منظور قانون گذار از نظام چیست و کدام معنا از نظارت [استطلاعی یا استصوابی] مورد نظر است؟ مطابق اصل ۹۸ قانون اساسی، تفسیر قانون اساسی به عهده ی شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می شود.

شورای نگهبان تفسیر خود را نسبت به نظارت در اصل ۹۹ به این صورت اعلام کرده است :

نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی استصوابی است و شامل تمام مراحل انتخابات از ابتدا تا انتها ی آن می شود و اختصاص به زمان برگزاری انتخابات ندارد، بلکه شامل تعیین زمان برگزاری و ثبت نام نامزدها و تشخیص صلاحیت و عدم صلاحیت آن و اعلام صحت و ابطال صندوق های رأی در حوزه های انتخابیه می شود.

مجلس شورای اسلامی نیز با استفاده از حق قانونی خود که می تواند در همه ی امور کشور در صورت صلاحدید قانون تصویب نماید در چهارم مرداد سال ۷۴ نظارت عام و استصوابی شورای نگهبان بر انتخابات را به صورت قانون عادی مورد تصویب قرار داده است.

سوالی که اینجا مطرح می شود این است که از جنبه حقوقی، تفسیر شورای نگهبان در مورد اصل ۹۹ چه مبنای دارد؟ چرا نظارت در اصل مزبور منحصر به خود انتخابات به معنای تأیید و عدم تأیید صحت انتخابات نباشد؟ چرا نظارت باید استصوابی باشد نه استطاعی؟

پاسخ شورای نگهبان به این پرسش اینگونه است : الف) در اصل مزبور قیدی برای نظارت نیامده است. بنابراین مراد قانونگذار از عموم یا اطلاق نظارت، نظارت در تمام مراحل انتخابات حاصل می شود. بالطبع نظارت تمام و کامل همان نظارت استصوابی است.

ب) نظارت حقیقی همان نظارت استصوابی است زیرا اصل در نظارت به این است که ناظر حق اظهار نظر و نفی و اثبات و تأیید و تکذیب را داشته باشد و مرجع و نهاد دیگری بعد از اظهار رأی و نظر ناظر نتواند به بررسی مجدد پردازد و پذیرش رأی بر همگان قطعی باشد.

ج) در اصل مزبور مرجعی که شورای نگهبان باید به آن گزارش دهد مشخص نشده است.

همین امر میتواند حاکی از این باشد که مراد قانونگذار نظارت استصوابی بوده است، نظارتی که خود مرجع نهایی و تصمیم گیرنده است.



## اقسام نظارت

به طور کلی نظارت بر چگونگی و حسن اجرای فرایندهای قانونی، سیاسی در هر کشور به دو شکل انجام می پذیرد:

۱- استصوابی ۲- استطاعی

۱) استصواب از ماده صواب به معنای «درست» در مقابل «خطا» و استصواب یعنی «صائب داشتن» و درست شمردن است، مثل این که گفته شود این کار صحیح و بی اشکال است.

بنابراین استصوابی به نظارتی گفته می شود، که در آن ناظر در تمام موارد تصمیم گیری حضور دارد و باید اقدامات انجام شده را تصویب کند تا جلوی هرگونه اشتباه و یا سوء استفاده از جانب مجریان گرفته شود.

در تمام کشور های جهان و نزد تمام عقلای عالم، برای تصدی مسئولیت های مهم، شرایط ویژه در نظر گرفته می شود تا هم وظایف محوله به فرد مورد نظر، به درستی انجام پذیرد و هم حقوق و مصالح شهروندان در اثر بی کفایتی مسئول برگرزیده پایمال نگردد.

از این رو امروزه در دموکراتیک ترین نظام های دنیا نیز شرایط ویژه ای برای انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در نظر گرفته می شود و قانون مرجعی رسمی را برای اعمال نظارت و احراز شرایط داوطلبان تعیین می کند.

این مرجع رسمی عهده دار بررسی وضعیت و روند انجام انتخابات و وجود یا عدم وجود شرایط لازم در داوطلبان که در نتیجه به تأیید یا رد صلاحیت داوطلبان می انجامد، خواهد بود. به عنوان نمونه، براساس قانون اساسی آمریکا، دانمارک و ژاپن، قوه مقننه و نمایندگان بر انتخابات نظارت می کنند و در فرانسه طبق قانون اساسی، نهاد ویژه مستقل، انتخابات را کنترل می کند.

بنابراین نظارت بر انتخابات منحصر به قانون اساسی جمهوری اسلامی نیست، بلکه در تمام نظام های دموکرات به نوعی نظارت وجود دارد.

۲) نظارت استطاعی به نظارتی گفته می شود که ناظر موظف است تنها از وضعیتی که مجریان انجام می دهند اطلاع یابد، سپس بدون آنکه خود اقدام عملی کند و نحوه ی اجرا را تأیید یا رد کند آنچه را مشاهده کرده است به مقام دیگری گزارش کند.

## نکات:

۱. این نظارت صرفاً جنبه ی اطلاع یابی دارد و حق همه ی شهروندان است

۲. ناظران حق هیچ گونه تصمیم گیری در مورد تخلفات احتمالی ندارند.

۳. ناظر فقط کیفیت انجام کار را که به دست مجری انجام می گیرد به خود مجری و یا مقام مافوق آن گزارش می کند.

۴. ناظر حق اظهار نظر ونفی و اثبات و تأیید و رد ندارد و نظر او از اعتبار و نفوذ قانونی برخوردار نمی باشد.

نتیجه: با توجه به نکات فوق نظارت استطاعی به تسامح نوعی از نظارت محسوب می شود، اما حقیقتاً نظارت نیست.

### دلایل استصوابی بودن نظارت

به چه دلیل نظارت باید استصوابی باشد نه استطاعی؟ به طور اختصار پاسخ می دهیم که:

الف) بنا به اصل عقلانی که احراز صحت انتخابات و تأیید و یا رد صلاحیت نامزد های انتخاباتی را بر عهده ی مرجعی رسمی و قانونی می داند

ب) ضرورت وجود مرجع قانونی به منظور کنترل اعمال مجریان برای بر طرف کردن اشتباهات یا سوء استفاده های احتمالی نهاد اجرایی

ج) پاسخ گوئی به شکایات و اعتراضات داوطلبان از مجریان انتخاباتی.

برای تحقق شرایط مذکور، قانون اساسی نهادناظری به عنوان مرجع رسمی ناظر بر انتخابات و تشخیص صلاحیت نامزد ها و عملکرد مجریان به نام «شورای نگهبان» تعیین کرده است و چون نظارت عقلانی بر رأی گیری و تشخیص صلاحیت داوطلبان اقتضای تأیید یا رد و ابطال عملی و مؤثر را دارد بنابراین به این نظارت شورای نگهبان، نظارت استصوابی می گویند.

به دلالت عقل و قانون آنچه که باید در واگذاری مناصب و مسئولیت های خطیر به افراد مد نظر باشد، وجود شرایط و اوصاف لازم، احراز شایستگی و صلاحیت است که قانون، مرجع تشخیص آن را مشخص نموده است. پیامد روشن اجرای قانون نیز حفظ سلامت نظام و پاسداری از اسلامیت و جمهوریت نظام می باشد. اما به نظر می رسد مخالفان اصل نظارت بیش از آنکه در پی اصلاح امور باشند، اهداف سیاسی دیگری را دنبال می کنند که ایجاد چالش در راه انجام وظایف شورای نگهبان، از جمله آن اهداف است.

منابع: ۱) مجله ناظر امین، شماره ۱۸، ص ۱۵

۲) مجله شمیم معرفت، شماره ۱۱، ص ۱۰

۳) مقاله چالش های موجود در شورای نگهبان گردآورنده: معصومه یاراحمدی طلبه پایه چهارم



دشمنان اسلام در نظر دارند کاری بکنند که انتخابات درست صورت نگیرد و از دست مسلمان ها و متعهدین خارج شود  
حضرت امام خمینی (ره)

## در سایه سار حکمت

«عثمان بن مظعون» یکی از اکابر صحابه رسول اکرم است، این شخص خواست به تقلید از راهبان، به اصطلاح تارک دنیا شود، ترک زن و زندگی کرد و لذتها را بر خویش تحریم ساخت. همسرش نزد رسول خدا (ص) آمد عرض کرد.

یا رسول!...! عثمان روزها روزه می گیرد و شبها به نماز برمی خیزد. پیغمبر اکرم (ص) خشمگین شده برخاست به نزد وی آمد. عثمان مشغول نماز بوده، صبر کرد تا نمازش تمام شد فرمود:

ای عثمان! خدا مرا به رهبانیت دستور نفرموده است. دین من، روشی منطبق بر واقعیت و در عین حال ساده و آسانست. لم یرسلنی الله تعالی بالرهبانیه و لکن بعثنی بالحیثیه السهله السمه.

یعنی: خداوند مرا برای رهبانیت و ریاضت نفرستاده است، مرا برای شریعتی فطری و آسان و با گذشت فرستاده است، من نماز می خوانم و روزه می گیرم و با همسرانم نیز مباشرت دارم. هر کس که دین مطابق با فطرت مرا دوست می دارد باید از من پیروی کند، ازدواج یکی از سنتهای من است.

### از بهر خدا، اذان مگو!

در شهری مسجدی بود و آن مسجد را موذنی که پس ناخوش آواز بود. مسلمانان او را از گفتن اذان باز می داشتند، اما او به اذان خود اعتقادی سخت داشت و ترک آن را، روا نمی شمرد. روزی در مسجد نشسته بود و وقت نماز را انتظار می کشید تا بر مناره رود، و بانگ اذان در شهر افکند. ناگاه مردی روی به جانب او کرد. نزدش آمد و نشست گفت: موذن این مسجد تویی؟

گفت: آری

گفت: هر صبح و ظهر و شام، تو از این مسجد اذان می گویی؟

گفت: آری.

گفت: این هدایا، از آن توست. پس جامه ای نو و چندین هدیه دیگر بدو داد. موذن گفت: این هدایا از بهر چیست؟

مرد گفت: ما به دین شما نیستیم و آیین دگری داریم. مرا در خانه دختری است بالغ و عاقل که چندی است میل اسلام کرده است. هر چه او را نصیحت می گفتم، سودی نمی کرد.

عالمان بسیاری از دین خود، نزد او آوردم تا پندش دهند و او را به حجت و موعظه، از اسلام برگردانند، سودی نمی کرد. چنین بود که تا روزی صدای تو را شنیدم. از خواهرش پرسیده که این صدای نامطبوع چیست و از کجاست؟ که من در همه عمر، چنین آواز زشتی از کلیسا نشنیده ام؟ خواهرش گفت که این بانگ اذان است و اعلام وقت نماز مسلمانان. باورش نیامد. از دیگری پرسید او نیز همین را گفت. چون یقین گشتش که این بانگ از مسجد مسلمانان است از مسلمانی دلش سرد شد.

من نیز که پدر اویم از تشویش و عذاب رستم و برخورد واجب کردم که صاحب این بانگ را سپاس ها گویم و هدیه ها دهم. اگر بیش از این داشتم، بیش از اینت می دادم.

**نتیجه:** ایمان بسیاری از مسلمانان، همچون بانگ آن موذن است که اساس دین را سست می کند و تا مسلمانان را به اسلام بی رغبت و بی اعتنا می کند.

انتخابات يك محكي هم براي خودتان است كه ببينيد آيا مي خواهيد

انتخاب اصلح بكنيد براي خودتان، يا براي اسلام

حضرت امام خميني (ره)



## « صفايت بازرگان »

و قصه تو مثال قصه شخصی است که به شهری به بازرگانی رفت و زر و مال و سرمایه بسیار داشت. با خود گفت که: این جا کسی بیاید و سودی باید به دست آورد تا با غنیمت و سود به شهر خود مراجعت نمایم. و چون آن شخص بدان شهر درآمد شهری دید منقش با نعمتهای گوناگون و با فرشهای الوان و جواهرهای بی پایان.

### همگی وعظ من به تو این است که تو طفلی و خانه رنگین است

پس به آن نقشها گرفتار شده، دست در تلف نهاده با رندان و اویاشان شهر قرین و همنشین شده و جمله مال و زری که داشت ضایع و تلف کرد و مرکبی که داشت زمام او را رها کرد و از دست برداشت چنانکه هر جا که می خواست می رفت و چرا می کرد و خود برپیرزنی عاشق و دست در گردن او در آورد و با وی قرار و آرام گرفت و مقام و ولایت اصلی و همنشین و خویشان ولایت فراموش کرد و اصلا از ایشان یاد نمی کرد و با این همه خلق بسیاری روی به وی کردند و وی را به مواعظ و نصایح آگاه و باخبر می ساختند و باور نمی داشت و می گفت من خود از این شهرم و از بهر این کار که مشغولم آمده ام و چه مقام از این بهتر و چه عیش از این خوشتر و مکرر از وطن اصلی وی پیغام به وی می رسید که آنجا چرا نشسته ای و چه می کنی و ما را چرا فراموش کرده ای؟

### عروش است نشیمن تو شرمت ناید کای و مقیم خطه خاک شوی

و این غافل بدبخت غم خود نمی خورد و هیچ یاد نمی آورد که از کجا آمده ام؟ و به چه کار آمده ام؟ و چه کاری بایدم کرد. و به آن کوری و گمراهی راضی شد « پس آنان کوری را بر هدایت برگزیدند » (فصلت / ۱۷) اگر بدبخت حال خود نمی دانست که نمی داند، آخر عاقلان و دانایان می دانستند که این چه عیبی صریح است. بعد از زمانی که خویشان و یاران وطن، قهرمان خشم را فرستاده که او را به وطن اصلی بکشاند به هوش آمد، نه از مایه و بضاعت خود اثری و نه از مرکب خود خبری و نه از آن پیر زال که گرفتار وی شده بود اعانتی دید در آن وقت کف افسوس بر هم سوده محروم و ناکام با هزاران خجالت و شرمندگی روی به وطن اصلی نهاد.

### در خانه اگر کمر است یک کمر است!

ای عزیز! باری کاری کن که پاک به دهر آمده ای ناپاک به خاک نروی.  
ای عزیز! آگاه باش نه گمراه، خود شناس باش نه خودنما که خودشناسی حق شناسی است. « من عرف نفسه فقد عرف ربه » و خودنمایی دعوی خدائی است.

آدمی زاده طرفه معجونی است

گر کند میل این شود به از آن

کز فرشته سرشته وز حیوان

ور کند میل آن شود کم از آن

ای غافل! مسجود ملک گرد، نه ساجد حیوان و مطیع رحمان باش، نه منقاد شیطان.

ای عزیز! در لقمه غایت احتیاط را رعایت کن تا حرام یا شبه دار نباشد، هر که را همت بر آنست که به شکم چیزی فرستد قیمت آن، آن باشد که از شکم بیرون آید.

سالکی از مرد دهقانی پرسید که چه مذهب داری؟

گفت: مذهب برزگری! یعنی هر چه بکاری بدروی.

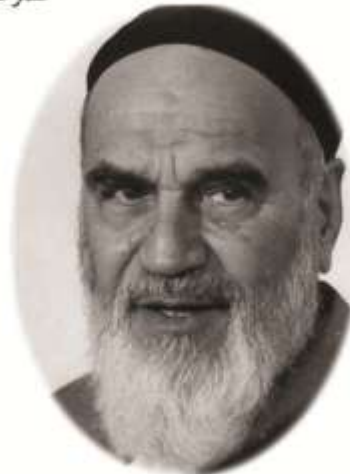
به هر کاری عدالت پیشه می باش نکوکار و نکو اندیشه می باش

منبع: حسن دل/در سیر و سلوک الی الله/مولی محمد پیدآبادی(ره)



امروز دارند تهیه می بینند مخالفین شما، مخالفین جمهوری اسلامی... که برای انتخابات ایجاد نفاق کنند

حضرت امام خمینی (ره)



سال اصلاح الگو مصرف کرامت یار

پیامک های مذهبی

- ۱) انسانهای سالم خوشبختی را تعقیب نمی کنند، بلکه زندگی می کنند و خوشبختی پاداش آنان است!
- ۲) وقتی به من گفتی تا آخر دنیا باهات می مونم تازه فهمیدم دنیا دو روزه.
- ۳) انسانهای بزرگ به آرمان هایشان می اندیشند آدم های معمولی به آرزوهایشان فکر می کنند و افراد حقیر مردن را می پابند.
- ۴) تا عاقل کنار آب به دنبال پلی می گشت دیوانه پا برهنه از آب گذشت.
- ۵) دنیا این جوریه دیگه: اگر گریه کنی میگوین کم آوردی، اگه بخندی میگوین دیونست، اگه دل بیندی تنهات میزارن، اگه عاشق بشی دلت و میشکنن، با این حال باید لحظه ای را گریست، دمی را خندید، ساعتی را دل بست و عمری عاشقانه زیست.
- ۶) وقتی یک در از شادی ها بسته می شود، در دیگری باز می شود اما گاهی ما آنقدر به در بسته اول نگاه می کنیم که متوجه باز شدن در دوم که برای ما باز شده است نمی شویم.
- ۷) ای خدای من، ای تکیه گاه آرامش بخش! دوست دارم سر بر پنجره قلبت کوبم و تو به مهربانی در به رویم باز و عشق مرا پذیرا باشی، دوست دارم دست در دستانت و سر به شانه ات نهم تا لذت عاشقی را حس کنم.
- ۸) چهار چیز است که نمی توان آنها را بازگرداند. سنگ، پس از رها شدن! حرف، پس از گفتن. موقعیت، پس از پایان یافتن! و زمان، پس از گذشتن!
- ۹) در بیکرانه زندگی دو چیز باعث افسون شدن زیر باران شد، آبی آسمانی که می بینم و می دانم نیست و خدایی که نمی بینم و می دانم هست و چه زیباست این بیکران افسونگر و خدایی که در این نزدیکی است.
- ۱۰) خداوند از خود هرگز نیازارم دلی را که میترسم در او جای تو باشد.
- ۱۱) هرگاه خداوند تو را به لبه ی پرتگاهی کشاند به او اعتماد کن زیرا تو را از پشت خواهد گرفت یا پرواز را به تو یاد خواهد داد.
- ۱۲) زندگی گل سرخی است که گلبرگهایش خیالی و خارهایش واقعی است.

گردآورنده: معصومه یاراحمدی

« خودسازی از زبان امام عزیز خمینی، پیت شکن »

۱. نمازهای پنج گانه را در پنج وقت بخوانید و نماز شب را حتماً به پا دارید.
۲. روزه های دوشنبه و پنجشنبه را حتی المقدور روزه بگیرید.
۳. اوقات خواب کم کرده و بیشتر قرآن بخوانید.
۴. برای عهد و پیمان اهمیت فوق العاده قائل شوید.
۵. به تهیدستان انفاق کنید.
۶. از مواضع تهمت دوری نمایید.
۷. در مجالس پر خرج و باشکوه شرکت نکرده و خود نیز چنین مجالسی نداشته باشید.
۸. لباس ساده بپوشید.
۹. زیاد صحبت نکنید، دعاها را زیاد بخوانید. (خصوصاً دعاهای روز سه شنبه)
۱۰. ورزش کنید ( نرمش، پیاده روی، کوهنوردی، کشتی، شنا)
۱۱. بیشتر مطالعه کنید (مذهبی، اجتماعی، سیاسی، علمی، فلسفی، نقل و قول، سخنرانی، فن بیان)
۱۲. دانشهای فنی را بیاموزید (رانندگی اتومبیل، موتورسیکلت، مکانیک، سیم کشی، و ...)
۱۳. دانش تجوید و عربی را بیاموزید و در هر زمینه ای هشیار باشید.
۱۴. کار نیک خود را فراموش نکنید، گناهان گذشته را به یاد آورید.
۱۵. از نظر مادی به تهیدستان و از نظر معنوی به اولیاء الله بنگرید.
۱۶. از اخبار روز و اخبار مربوط به امور مسلمین با اطلاع شوید.

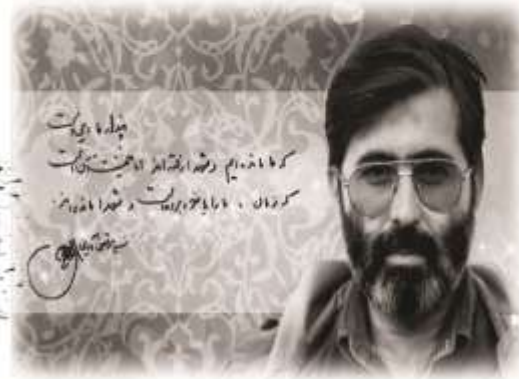


بسم الله الرحمن الرحيم  
 قسمتی از وصیت نامه جانشین فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا  
 ( شهید حمید باکری )  
 سال ۱۳۶۱ قبل از عملیات والفجر

دعا کنید که خداوند شهادت را نصیب شما کند که در غیر اینصورت زمانی فرا می رسد که جنگ تمام می شود و رزمندگان سه دسته می شوند:  
 ۱. دسته ای که به مخالفت با گذشته خود بر می خیزند و از گذشته خود پشیمان می شوند.  
 ۲. دسته ای راه بی تفاوتی را بر می گزینند و در زندگی مادی غرق می شوند.  
 ۳. دسته سوم به گذشته خود وفادار می مانند و احساس مسئولیت می کنند که از شدت مصائب و غصه ها دق خواهند کرد.  
 پس از خدا بخواهید که با وصال شهادت از عواقب زندگی بعد از جنگ در امان بمانید چون عاقبت دو دسته اول ختم به خیر نخواهند شد و جزء دسته سوم مانندن بسیار سخت و دشوار خواهد بود.  
 (والسلام علی من اتبع الهدی)

... ای آرزومند، بیدار شو! دنیا صراط آخرت است، و اگر تو را چشم بود می دیدی قیامت را که در این عرصه بر پا شده است! اگر اینجا با حسینی، آنجا نیز با حسینی و اگر اینجا با یزید، نیک بنگر، آنک یزید است که تو را به سوی جهنم امامت می کند.

هیچ پرسیده ای که عالم شهادت بر چه شهادت می دهد که نامی این چنین بر او نهاده اند؟  
 شهید سید مرتضی آوینی





## احدی شرعاً نمی تواند به کسی کورگورانه و بدون تحقیق رأی بدهد لازم است تبلیغات انتخاباتی، موافق مقررات دولت باشد.

(حضرت امام خمینی (ره))

### معرفی کتاب



عنوان : گلشن ابرار ۸  
تاریخ چاپ : بهار ۱۳۸۷  
ناشر : نورالسجاد  
موضوع کتاب : مذهبی  
نوع کتاب : کتاب اختصاصی

سال اصلاح الکترونیک صرف کرامت یار

- الله فروغی، عبدالکریم پاک نیا، مهدی سلطانی رنانی، مهدی غفوری، احسان فتاحی، نورالدین علی لو، مهدی احمدی، مهدی قلی زاده علیار، محمد الوائساز خوبی، محمد تقی ادهم نژاد، محسن دریاییگی، مرتضی عبدالوهابی، محمد تقی ادهم نژاد، محسن دریاییگی، سلمانی آرانی، سید غلام حسین صادقی، مسیب کیانی، عبدالعلی براتی، محمد خردمند، علی کرجی، حبیب احمدی و عبدالرحیم ابادزی. لیست تعدادی از علمایی که در این جلد، زندگانی آنها مورد بررسی قرار گرفته است، به شرح ذیل است:

۱. جعفر بن محمد قولویه (حدود ۲۹۰ق).
۲. ابن ابی سهل نوبختی (۳۱۰ق)
۳. ابن ابی عمیر عمالی (۳۲۹ق)
۴. بوعلی سینا (۴۲۸ق)
۵. حسین بن عبدالحق اردبیلی (۹۵۰ق)
۶. ملا جلال الدین دوانی (۹۰۸ق)
۷. غیاث الدین جمشیدزواره ای (اوایل قرن دهم)
۸. ابوالقاسم میرفندرسکی (۱۰۵۰ق)
۹. آقا محمد بیدآبادی (۱۱۹۸ق).
۱۰. سید ابراهیم قزوینی (۱۲۱۴ق)
۱۱. محمدشریف مازندرانی (۱۲۴۵ق)
۱۲. محمدحسین حائری (۱۲۵۴ق)
۱۳. محمد صالح برغانی (۱۲۷۱ق).
۱۴. میرزا رضای کرمانی (۱۲۷۵ق).
۱۵. میرزا محمد تهرانی (۱۲۸۱ق)
۱۶. سید مهدی قزوینی (۱۳۰۰ق).
۱۷. سید علی میدی (۱۳۱۳ق)
۱۸. محمدهادی تهرانی (۱۲۵۳ - ۱۳۲۱ ق)
۱۹. محمد طه نجف (م: ۱۳۳۳ ق)
۲۰. میرزا حبیب الله خوبی (۱۳۲۴ق).
۲۱. شیخ باقر آل حیدر (۱۳۳۳ ق)
۲۲. شیخ ذبیح الله قوچانی (۱۳۳۵ق)
۲۳. امیر علی هندی (۱۳۴۷ق)
۲۴. سیدمرتضی خسروشاهی (۱۳۷۲ق)
۲۵. جواد فومنی حائری (۱۳۴۳ش).
۲۶. میرزا عبدالله مجتهدی (۱۳۵۵ش)
۲۷. میرزا حسن بجنوردی (۱۳۹۵ق).
۲۸. محمدجواد باهنر (۱۳۶۱ش)
۲۹. شیخ راغب حرب (۱۳۶۲ش)
۳۰. محمدحسن میرجهانی (۱۳۷۱ش)

گزارشی کوتاه از کتاب گلشن ابرار ۸ مجموعه گلشن ابرار که خلاصه‌ای از زندگی و شرح حال علمای اسلام است که تا کنون هفت جلد از آن به زیور چاپ آراسته شده، اثری است که در چندین جلد توسط جمعی از پژوهشگران حوزه علمی قم زیر نظر پژوهشکده باقرالعلوم (علیه السلام) تألیف شده است.

در این بین علمایی هستند که غیر از زندگی علمی خود، زندگی سیاسی پربراری داشته‌اند و در صحنه‌های گوناگون سیاسی شرکت داشته‌اند و برخی دیگر فقط زندگی علمی و زاهدانه‌ای داشته‌اند و در سیاست و اوضاع سیاسی دوران خویش هیچ دخالتی نداشته‌اند که هر کدام در جای خود به آن پرداخته شده است.

برخی از علما شرح کوتاهی دارند و برخی بسیار مفصل است که این امر یا به دلیل محدودیت اطلاعات راجع به عالم موردنظر است یا به جهت اهمیتی که آن عالم در بین مردم دوران خویش داشته، کمیت اطلاعات راجع به آن عالم تغییر کرده است. ساختار نوشتاری کتاب‌های این مجموعه در تمام مجلدات آن به این ترتیب است:

- ۱) تولد، خانواده و حسب و نسب
- ۲) دوران کودکی
- ۳) دوران تحصیل و تهذیب و مقام علمی
- ۴) زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی
- ۵) سفرها
- ۶) شاگردان
- ۷) آثار و تألیفات
- ۸) تاریخ و چگونگی وفات یا شهادت

مجلد هشتم از این مجموعه نیز به همت پژوهشکده باقرالعلوم (علیه السلام) و توسط جمعی از پژوهشگران حوزه علمی قم، زیر نظر عبدالرحیم ابادزی در بهار ۱۳۸۷ ه.ش به شمارگان ۳۰۰۰ نسخه به زیر چاپ رفته است. ناشر این اثر نشر نورالسجاد می باشد.

پژوهشگرانی که در تهیه مقالات این اثر همکاری نموده اند عبارتند از: ابوالحسن ربانی سبزواری، جواد حاجی پور، غلامرضا گلی زواره ای، مجید محبوبی، نعمت